

درس نامه



جزوه ی خلاصه ی درسی :

# سال دوّم



روشی جدید و جذاب

برای مطالعه ی سریع دین و زندگی

کُل نکات کتاب دین و زندگی ۲

فقط در ۱۸ برگه دو رو

## کتاب ۱۲ مبحث دین و زندگی



### عادت و معلول ها

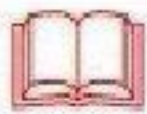
### اندیشه و تحقیق ها

سال دوم ، سوم و پیش دانشگاهی

همراه با تست های جدید به سبک کنکور سراسری

دارای پاسخ کاملاً تشریحی

کلیه ی رشته ها



## فهرست



|    |       |        |
|----|-------|--------|
| ۳  | ..... | درس ۱  |
| ۵  |       | درس ۲  |
| ۶  |       | درس ۳  |
| ۹  |       | درس ۴  |
| ۱۰ | ..... | درس ۵  |
| ۱۲ |       | درس ۶  |
| ۱۴ |       | درس ۷  |
| ۱۶ |       | درس ۸  |
| ۱۸ |       | درس ۹  |
| ۱۹ | ..... | درس ۱۰ |
| ۲۰ |       | درس ۱۱ |
| ۲۳ |       | درس ۱۲ |
| ۲۵ |       | درس ۱۳ |
| ۲۷ |       | درس ۱۴ |
| ۳۰ | ..... | درس ۱۵ |
| ۳۳ |       | درس ۱۶ |

۳۶

## علت و معلول های سال دوم



توجه : برای یادگیری ۱۰۰٪ لازم است کتاب درسی هم مطالعه شود و این جزوه به طور کامل حفظ شود .





دین و زندگی ۲

درس اول : جلوه های حکمت و تدبیر

نکته ی ۱- قرآن جهان را جلوه ی حکمت و تدبیر الهی معرفی می کند و از ما می خواهد با عقل و استدلال و منطق آن را بپذیریم ؛ از این رو مردم را دعوت می کند به پدیده های پیرامون خود نظر کنند : به خورشید ، ماه ، ستارگان ، کوه ها

۲- یکی از سؤال های اصلی هر نوجوان و جوانی این است که : ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم ؟

۳- پاسخ به کدام سؤال در نگاه نوجوان به زندگی تأثیر دارد و به تصمیم های او جهت می دهد ؟

➡ سؤال : « ما در چگونه جهانی زندگی می کنیم ؟ »

۴- در کدام جهان شکر گاهی شور است ، گاهی شیرین و آتش گاهی سرد است ، گاهی داغ ؟

➡ جهان غیر واقعی و خیالی . ( اما در جهان واقعی نظم ، تقدیر و قانون همواره ثابت است . )

۵- حاصل همکاری عناصر موجود در طبیعت پیدایش موجود جدید با ساختمان جدید و خواص جدید است .

۶- مجموعه منظم چندین جزء دارد که با آرایش خاص در کنار هم قرار دارند و هر جزء کار مخصوصی انجام میدهد ؛ بین وظایف و مسئولیت ها پیوستگی و ارتباط وجود دارد و کار هر یک مکمل و ادامه دیگری است ولی به تنهایی ناقص اند .

۷- هر سامان و نظامی و هر همکاری و فعالیتی به دنبال هدفی خاص است پس هدف خاص ، معلول و نتیجه ی نظم و سامان است .

۸- شاخصه ی اصلی مجموعه ی منظم داشتن هدف و غایت است . « رتبا ما خلقت هذا باطلا »

۹- بدون هدف ، پیوستگی و ارتباط معنا ندارد و اساساً مجموعه ی منظم شکل نمی گیرد ؛ همکاری ، پیوستگی و نظام ، همواره برای آن است که به هدفی معین منجر شود .

۱۰- اگر هدف مندی در کار نباشد ، تمام فعالیت های مجموعه ، بیهوده و عبث میشود یعنی در یک کلام باطل می شود .

۱۱- اگر هدف مندی در کار باشد ، مجموعه ی فعالیت ها ، ثمر بخش و هدفمند و در یک کلام حق می گردد .

۱۲- چون پای گزینش ، انتخاب و طرح قبلی در کار بوده پس : آفرینش جهان حق است و باطل نیست یعنی هدف دارد .

۱۳- چون مجموعه ی منظم خود به خود ایجاد نمی شود و خود اجزای آن هم از درک و آگاهی برخوردار نیستند ؛

پس حتماً خالق آگاه و خبیر و حکیم ، متناسب با هدف ، اجزای مجموعه را شکل می دهد .

۱۴- علی (ع) در خطبه ۹۰ نهج البلاغه درباره ی ویژگی های خلقت خدا می فرماید : او موجودات را بی سابقه و بدون تقلید از

کار خالق دیگر آفرید ... آثار صنع و نشانه های حکمت خدا در نوآوری بی سابقه و خلقت بی نظیرش هویدا است .

۱۵- هر موجودی که خدا آفریده برهان آفریدگاری و دلیل خداوندی اوست ، حتی اگر جامد و بی زبان باشد . چرا که با

زبان بی زبانی خالق خود را معرفی و تدبیر او را بازگو می کند ، دلالتش بر خدا همواره استوار است .

۱۶- اگر در جمله ای کلمه ی : مقدار ، اندازه ، حدود و ویژگی باشد ، درباره ی قدر است ، ( قدر = تقدیر )



- ۱۷- خدا همه ی مخلوقات را بر اساس مقیاس ، نظمِ مشخص و اندازه ی **مخصوص** و متناسب آفرید .
- ۱۸- هر چیزی را به بهترین شکل طراحی کرد ، آن گاه به آن نظم و ظرافت بخشید و آن را در مسیر انجام وظیفه و دست یابی به هدف خاص هدایت کرد . ( تقدم خلقت بر نظم و هدایت = هم مفهوم با آیه ی : **الَّذِي خَلَقَ قَبِيضِي وَالَّذِي قَدَّرَ وَهْدِي** )
- ۱۸- همه این اندازه گیری ها بدان جهت بود که هیچ یک از مخلوقات از چهار چوب تعیین شده تجاوز نکند . ( علت و معلول )
- ۱۹- در خلق آسمانها و زمین و آمد و شدِ شب و روز ، نشانه هایی وجود دارد : **برای اُولی الالباب = خردمندان**
- ۲۰- **اُولی الالباب** : کسانی هستند که خدا را یاد می کنند چه ایستاده باشند و چه نشسته و چه بر پهلو آرمیده باشند .
- ۲۱- آیه « **الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ** » کسانی که یاد می کنند خدا را چه ایستاده باشند ، چه نشسته و چه بر پهلو آرمیده باشند . مفهوم : ویژگی **اُولی الالباب**
- ۲۲- ویژگی دوم خردمندان **تفکر** در خلق آسمان ها و زمین است . « **يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** »
- ۲۳- شعر « این همه نقشِ عجب بر در و دیوار وجود .... هر که **فکرت** نکند ، نقش بود بر دیوار »
- درباره ی درک جایگاه انسان است و با آیه ی « **يَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ** » ارتباط مفهومی دارد .
- ۲۴- **دعای خردمندان** چیست ؟ « **رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ قَبِلْنَا عَذَابَ النَّارِ** » پروردگارا تو این را بیهوده خلق نکردی ، تو پاک و منزهی .... ( این جمله نتیجه ی تفکر خردمندان می باشد . )
- ۲۵- در آیه ی « **رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا** » منظور از **هَذَا** چیست ؟ آسمان ها و زمین
- ۲۶- پیام آیتی که در آنها کلمه « حق ، باطل ، غیث ، لا ترجعون ... » آمده ، هدفداری جهان و حکیم بودن خدا است .
- ۲۷- آن چیزی که ما می پنداریم جامد و بی حرکت است ولی مانند ابرها در حال حرکت است **کوه ها** هستند .
- « **و تَرَى الْجِبَالَ تَحْسِبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ... صُنِعَ اللَّهُ الَّذِي أَنْتَنَ كُلَّ شَيْءٍ** » ( اعجاز محتوایی : نکات علمی )
- ( کوه ها ساخته خدایی هستند که هر چیزی را استوار و متّین آفرید . پیام : اتقان صنع ، هدفداری جهان و حکمت خدا )
- ۲۸- در خلق آسمان ها و زمین به حق ، نشانه هایی وجود دارد برای **مؤمنین** . « **إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ** » ( هدفداری )
- ۲۹- آیه ی « **إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ** » ما هر چیزی را به **اندازه ای** آفریدیم . مفهوم : خلقت موجودات طبق اندازه گیری دقیق است . هر قضای الهی بر یک تقدیر تکیه دارد .
- ۳۰- آیاتی که در آن ها کلمه ی خلق - خالق و قاطر ... باشد مفهوم **شان توحید در خالقیت** است .
- ۳۱- مراتب توحید : ۱- توحید در خالقیت ۲- توحید در مالکیت ۳- توحید در ولایت ۴- توحید در ربوبیت ۵- توحید در عبادت
- ۳۲- « **الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّىٰ وَالَّذِي قَدَّرَ وَهْدِي** » کسی که خلق کرد ؛ سپس منظم کرد ( آراست ) درباره ی وجود نظم در مخلوقات جهان برای رسیدن به **هدف خاص** است و توحید در خالقیت . ( خلقت قبل از هدایت بوده است . )



## درس دوم : با کاروان هستی

- نکته ی ۱- آسمان ها و زمین به حق آفریده شده اند و سر آمدی مشخص ( أَجَلٍ مُّسَمًّى ) دارند ولی ( الذین کَفَرُوا ) کسانی که کفر ورزیدند از آن روی گردان هستند .
- ۲- عبارت « أَجَلٍ مُّسَمًّى » به موقتی بودن نظم و سرآمد مشخص و هدفداری جهان اشاره دارد که کافران به آن بی توجه اند .
- ۳- آن چه در آسمان ها و زمین است ، خدا را تسبیح می کند . ( یُسَبِّحُ لِلَّهِ ... )
- ۴- عبارت « أَحْسَنَ صُورَتِهِمْ ... » یعنی خدا شما را به بهترین شکل در آورد تا به سوی او برگردید . ( معاد )
- ۵- آیه « أَفَغَیْرِ دِیْنِ اللّهِ یَبْغُونَ » : آیا دینی بجز دین خدا را می جویند ؟! « وَ لَئِیْةَ اَسْلَمَ مِنْ فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْاَرْضِ طَوْعاً وَ كَرْهاً » : در حالی که همه خواه ناخواه تسلیم اویند . ( نفی دین خواهی غیر الهی و تسلیم بودن خواهی نخواهی )
- ۶- تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند ، خواه ناخواه ( طَوْعاً وَ كَرْهاً ) تسلیم خدایند . ( پرستش تکوینی )
- ۷- آیه « مَا تَرَى فِی خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ ... هَلْ مِنْ فُطُورٍ » : در خلق خدای رحمان هیچ گونه تفاوت و فطور یعنی بی نظمی و شکاف نیست . پیام : انسجام درونی و پیوستگی در جهان و اِتقان صُنْع « قانونمندی و نظم جهان = حکمت خدا »
- ۸- فعالیت هر سلول در بدن نه تنها در خدمت یک عضو بلکه در خدمت نهایی ترین هدف سلول ها یعنی حیات و رشد بدن است .
- ۹- کوچک ترین مجموعه ی نظام مندی که بشر تا کنون شناخته ، اتم است .
- ۱۰- شعر : مَا زِیْ بِالْاَیْمِیْمِ وَ بِالْاِیْمِیْمِ مَا زِیْ دَرِیَا بِیْمِیْمِ وَ دَرِیَا بِیْمِیْمِ
- مفهوم : یکی بودن مبدا و مقصد است . « حکمت خدا ، هدفمندی ، توحید در خالقیت »
- ۱۱- شعر بالا با آیه ی « اِنَّا لِلّهِ وَ اِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ » و آیه ی « اِلَیْهِ یَرْجَعُونَ » و آیه ی « اِلَیْهِ مَصِیرٌ » ( = بازگشت به سوی اوست ) ارتباط مفهومی دارد .
- ۱۲- تمام آیاتی که با عبارت « وَ مِنْ آیَاتِهِ ... » آغاز می شوند ، مفهومشان این است که موجودات جهان و ویژگی هایشان نشانه ی حکمت خالق خود هستند .
- ۱۳- از نشانه های خدا ، خلق آسمان ها و زمین و اختلاف زبان ها و رنگ هایتان است که این نشانه هایی دارد برای دانشمندان . « ... اِخْتِلَافُ السِّیَنَتِکُمْ وَ الْوَانِکُمْ ... لِلْعَالَمِیْنِ »
- ۱۴- از نشانه های او استراحت شبانه و روزانه و روزی طلب کردن شماس است که این نشانه ای است برای گروهی که می شنوند . « ... مَنَامِکُمْ بِاللَّیْلِ وَ النَّهَارِ ... لِقَوْمٍ یَسْمَعُونَ »
- ۱۵- از نشانه های او ایست که به شما نشان میدهد ؛ برق ( آذرخش ) را که هم باعث ترس میشود و هم امید و از آسمان آبی می فرستد که زمین را بعد از مرگش زنده می کند که در این نشانه ای وجود دارد برای گروهی که می اندیشند .
- « اَنْ یُرِیْکُمْ الْبَرْقَ خَوْفاً وَ طَمَعاً وَ یَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءٌ ... لِقَوْمٍ یَعْقِلُونَ »





- ۱۶- از نشانه های او این است که آسمان و زمین به امر او برپاست سپس هنگامی که شما را از زمین فراخواند ناگهان از قبرها بیرون می آید . « أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَ الْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ... إِذْ أَنْتُمْ تُخْرَجُونَ » ( معاد جسمانی )
- ۱۷- از نشانه های او خلق آسمان ها و زمین و خلق آن چه از جنبندگان در آن دو پراکنده است ، می باشد و او هرگاه بخواهد به جمع آوری آن ها توانا است . « ... وَ مَا يَبْتَئِ فِيهِمَا مِنْ دَابَّةٍ ... وَ هُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ قَدِيرٌ » ( معاد جسمانی )

ای نهال آرزو ! خوش زی که بار آورده ای  
غنچه بی باد صبا ، گل بی بهار آورده ای

باغبانان تو را ، امسال سال خُرمی است  
زین همایون میوه کز هر شاخسار آورده ای

### درس سوم : سرمایه های انسان

- نکته ی ۱- کاروان هستی همان طور که از خداست به سوی خدا هم در حال حرکت است .
- ۲- هدف از خلقت انسان تقرب به خداست . ( نزدیک شدن به خدا است ) .
- ۳- عوامل رشد یا سرمایه های انسان ۶ تا است :

۱- عقل ۲- برتری انسان بر سایر مخلوقات

۲- اختیار ۵- گرایش به خیر و نیکی ( وجدان = نفس لواحه )

۳- فطرت خدا آشنا ۶- هدایت پیامبران و امدادهای خدا

۴- خدا در قرآن به کدام نفس سوگند خورده ؟ **نفسِ لواحه** ( در صورت رهسپار شدن بسوی گناه و زشتی سرزنشگر ما می شود . )

۵- آیه « وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ... » : ما بنی آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا جا به جا کردیم و از

روزی های پاکیزه به آنها دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات برتری دادیم . مفهوم : **کرامت و برتری انسان**

۶- آیه ی « وَ حَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرْ وَ الْبَحْرِ وَ رَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ كَثِيرٍ ... » درباره ی : **بنی آدم**

۷- آیه « فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِدِينٍ خَنيفاً فِطْرَتِ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ نَاسُ عَلَیْهَا » یعنی صورت خود را حق گرایانه به سوی دین نگه دار

همان فطرت و سرشت الهی که مردم را بر اساس آن سرشته است . مفهوم : **توحید در عبادت و فطرت خدا آشنا**

۸- آیه ی « فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِدِينٍ خَنيفاً ... » با آیه ی « مَنْ يُسْلِمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ » ارتباط مفهومی دارد . ( توحید عبادت )

۹- از آیه ی « فَأَقِمْ وَجْهَكَ ... فِطْرَتِ اللَّهِ ... » می فهمیم که حرکت در مسیر دین حرکت در مسیر فطرت است .

۱۰- دین حضرت ابراهیم **حنیف** بود . ( یعنی حق گرا ) ( قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ خَنيفاً )

۱۱- آیه ی « فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا » = قسم به نفسی که خدا **بدکاری و تقوا** را به آن الهام کرد .

۱۲- آیه « إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَ إِمَّا كَفُورًا » : ما راه را به انسان نشان دادیم می تواند شکر گزار باشد یا نا سپاس

مفهوم : **اختیار و فلسفه ی نبوت** . ( هدایت ویژه ی انسان ) . ( سنت امداد )



- ۱۳- آیه ی « وَ الَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا ... » مفهوم ۱- هدایت در گروی تلاش و مجاهده است .
- مفهوم ۲- انجام عمل صالح از راه های رسیدن به بندگی و اخلاص است . مفهوم ۳- سنت توفیق
- ۱۴- تلاش کردن در راه خدا علت است ؛ معلول و نتیجه ی آن هدایت شدن می باشد .
- ۱۵- اولی الالباب یا خردمندان کسانی هستند که خدا را یاد می کنند چه ایستاده باشند و چه نشسته ..... و در خلق آسمان ها و زمین تفکر می کنند . ( الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا ... )
- ۱۶- کسانی که سخن را می شنوند و از بهترین آن پیروی میکنند ، و خدا آن ها را هدایت کرده ... نیز اولی الالباب هستند .
- فَبَشِّرْ عِبَادَ ... الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ وَ يَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ... هَدَاهُمُ اللَّهُ ... اولی الالباب ( ارتباط مفهومی با نکته ی بالا )
- ۱۷- منظور از « اِنَّهٗ لَكُمْ غَدُوٌّ مُّبِينٌ » شیطان است . قبل از این آیه قرآن می گوید : كَلُوا مِمَّا فِی الْاَرْضِ حَلٰلًا طَيِّبًا ...
- یعنی از چیزهای حلال و پاک بخورید و از وسوسه های شیطان پیروی نکنید چون او دشمن آشکار شماست .
- ۱۸- اِنَّمَا یَأْمُرُکُمْ بِالسُّوْءِ وَ الْفَحْشَآءِ دربارهٔ شیطان است ؛ یعنی او فقط شما را امر میکند به بدی و زشتکاری و همچنین امر می کند به اینکه درباره ی خدا چیزی را بگویید که نمی دانید یعنی نسبت ناروا = اَنْ تَقُولُوْا عَلٰی اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ .
- ۱۹- آیه ی « کَذٰلِکَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوْءَ وَ الْفَحْشَآءَ » درباره ی یوسف (ع) است . یعنی :
- و این گونه او را از بدی و زشت کاری منصرف کردیم و باز گردانیدیم .
- ۲۰- عبارت : « تَنْهٰی عَنْ الْفَحْشَآءِ وَ الْمُنْکَرِ » به نماز اشاره دارد ؛ یعنی نماز از زشتی و منکر نهی می کند ، ( باز می دارد ) .
- ۲۱- « اِنَّهٗ مِنْ عِبَادِنَا مُخْلَصٍ » درباره ی یوسف است . ( بنده ی مخلص خدا = یوسف )
- ۲۲- « نَحْنُ اَقْرَبُ اِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ » یعنی : ما به انسان از رگ گردنش نزدیک تریم .
- ۲۳- خدا از وسوسه های نفس خبر دارد به این علت که از رگ گردن به ما نزدیک تر است . ( وَ نَعْلَمُ مَا تُوسُوْسُ بِهٖ نَفْسٌ )
- ۲۴- شعر : دوست ( = خدا ) نزدیک تر از من به من است ... با آیه « نَحْنُ اَقْرَبُ اِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ » و سخن علی (ع)
- « در هیچ چیزی ننگریستم مگر اینکه خدا را قبل و بعد و همراه آن دیدم . » ارتباط مفهومی دارد . ( فطرت )
- ۲۵- علی (ع) : خدا رحمت کند انسانی را که بداند از کجا آمده ، در کجا قرار دارد و به کجا می رود .
- مفهوم : درک جایگاه انسان در کاروان آفرینش و هم مفهوم با شعر مولوی :
- ۲۶- شعر مولوی : روزها فکر من اینست و .... از کجا آمده ام آمدنم بهر چه بود به کجایم روم آخر ، نتمایی وطنم
- ۲۷- ارزش هر کس به درک و فهم وی از حقیقت هستی و درک جایگاه خود در کاروان آفرینش بستگی دارد .
- ۲۸- گاهی غفلت ها علت و سبب دوری ما از خدا میشوند با اینکه دوست در کنار ما و مشهود است . ( فطرت خدا آشنا )
- ۲۹- عوامل سقوط انسان ۲ تا است . ۱- عامل درونی = نفس اماره ۲- عامل بیرونی = شیطان
- ۳۰- حضرت یوسف (ع) نام عامل درونی گمراه کننده ی انسان یعنی هوای نفس را نفس اماره گذاشته است .



- ۳۱- یوسف (ع) : « وَ مَا أُبْرِئُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ... » : من خودم را تبرئه نمی کنم ، همانا نفس امر کننده به بدی است ، مگر آنکه پروردگارم به او رحم کند . ( پس پیامبران هم نفس امّاره دارند . )
- ۳۲- دشمن ترین دشمن تو همان نفسی است که در درون توست . ( نفس امّاره ) .
- ۳۳- شعر : نفس هر دم در درونت در کمین .... دشمنی داری چنین در سر خویش ( منظور نفس امّاره ) .
- ۳۴- شیطان خود را از آدمیان برتر می داند و سوگند خورده فرزندان آدم را گمراه کند .
- ۳۵- کار شیطان فقط وسوسه و وعده ی دروغ است و راه نفوذ دیگری ندارد .
- ۳۶- راه های وسوسه شیطان : ۱- زیبا نشان دادن گناه ۲- سرگرم کردن به آرزوهای دنیایی ۳- غافل کردن از یاد خدا ۴- ایجاد دشمنی و کینه
- ۳۷- شیطان در روز قیامت می گوید : مرا سرزنش نکنید ... من بر شما تسلطی نداشتم ... من فریاد رس شما نیستم و نمی توانم به شما کمکی بکنم ؛ من فقط دعوت کردم و شما خودتان اجابت کردید . ( اختیار انسان )
- ۳۸- امام زمان (عج) : هیچ چیز مانند نماز بینی شیطان را به خاک نمی مالد .
- ۳۹- خدا بعد از بیان مراحل خلقت و دمیدن روح در انسان می فرماید : « تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ »
- ۴۰- خدا شیطان را برای همیشه از درگاه خودش طرد کرد زیرا به انسان سجده نکرد .
- ۴۱- مَتَّقِينَ در باغ ها و کنار نهرها در جایگاه صدق نزد فرمانروایی با اقتدار هستند .
- « إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَ نَهَرٍ وَ فِي مَقْعَدٍ صِدْقٍ عِندَ مَلِكٍ مُّقْتَدِرٍ » .

« من نمی دانم چرا می گویند : اسب حیوان نجیبی است !

کیوتر زیباست !

و چرا در قفس هیچ کسی کوکس نیست ؟

گل شِدر چه کم از لاله ی قرمز دارد ! ؟

سهراب سپهری :

اهل کاشانم ، پیشه ام نقاشیست ، قفسی میسازم با رنگ ، میفروشم به شما ، تا به آواز کیوتر که در آن زندانیست ، دل تنهایتان تازه شود ...



## درس چهارم : خود حقیقی - روح

- نکته ی ۱- منظور از خود حقیقی انسان روح اوست .
- ۲- ویژگی هایی که انسان را از سایر موجودات ممتاز می سازد مربوط به بعد غیر مادی یعنی روح اوست .
- ۳- خدا به ملائکه گفت : من بشری از گِل خلق می کنم . ( اِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِین ) .
- ۴- بعد از اینکه گِل وجود انسان شکل گرفت ، خدا از روح خود در آن دمید ؛ یعنی اول : بُعْدِ جسمانی خلق شد و دوم : بُعْدِ روحانی ( نَفَخْتُ فِیْهِ مِنْ رُّوحِی )
- ۵- بعد از اینکه خدا از روح خودش در انسان دمید ( علت ) به فرشتگان گفت به انسان سجده کنید . ( معلول )
- ۶- سجده ی فرشتگان بر انسان به خاطر داشتن روح الهی است .
- ۷- مراحل خلقت : ۱- نطفه ۲- خون بسته ۳- پاره گوشت ۴- استخوان ۵- رویدن گوشت روی استخوان ها .
- ۸- مراحل خلقت انسان به صورت عربی : ۱- نطفه ۲- عَلَقَه ۳- مُضْغَه ۴- عِظَام ۵- الْعِظَامُ لِحْمًا
- ۹- بعد از این ۵ مرحله ، خدا به انسان آفرینش دیگری هم داد ، که منظور روح است . ( خَلَقًا آخِر ) .
- ۱۰- بعد از این ۵ مرحله ی خلقت و دادن روح به انسان ، خدا به خودش می فرماید : « تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ »
- ۱۱- آیه ۵ مرحله خلقت ( نطفه ، عَلَقَه و .. ) با آیه « اِنِّی خَالِقٌ بَشَرًا مِّن طِین » هم مفهوم است . ( بُعد جسمانی )
- ۱۲- آیه ی « وَ نَفَخْتُ فِیْهِ مِنْ رُّوحِی » با آیه ی « ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخِرًا » هم مفهوم است . ( بُعد روحانی )
- ۱۳- انسان موجودی است دو بُعدی : الف : بُعد جسمانی و مادی ( کلید آیه : نطفه - طین )  
ب : بُعد روحانی و معنوی ( کلید آیه : مِنْ رُّوحِی - خَلَقًا آخِر )
- ۱۴- ثبات روح یعنی : روح تلاشی پذیر نیست ، دچار تحلیل و تجزیه نمی شود و مجرد ( غیر مادی ) است .
- ۱۵- بُعد جسمانی دچار تجزیه و تحلیل می شود و سرانجام فرسوده و متلاشی می گردد و به مکان و زمان نیازمند و محدود است ، اما بُعد روحانی تجزیه و تحلیل نمی پذیرد و بعد از مرگ بدن باقی می ماند و حیات دارد .
- ۱۶- قدرت انتخاب ، تصمیم گیری ، جاودانگی ، اخلاق و فضیلت ها ، فکر و اندیشه ، مربوط به بُعد روحانی است .
- ۱۷- نشانه ها و دلایل وجود بُعد روحانی و غیر مادی در انسان : الف - ثابت بودن خود ب - رویاهای صادقانه
- ۱۸- هر کس درک روشنی از خود دارد و برای درک مَن خود نیاز به هیچ گونه استدلالی ندارد ؛  
مَن انسان = خود انسان = روح = محور ثابت و تغییر ناپذیر
- ۱۹- هر هفت سال یکبار تمام عناصر بدن عوض می شود ولی مَن انسان ثابت است چون غیر مادی است .
- ۲۰- قوانین و مقررات جامعه بر پایه ی پذیرش مَن ثابت ( روح و شخصیت ثابت ) است . به همین دلیل بعد از بیست سال از نویسنده ی یک کتاب تجلیل می کنیم .



- ۲۱- مجازات جنایتکار بعد از ۲۰ سال **عاقلانه** و عادلانه است زیرا او همان انسان ۲۰ سال قبل است ؛ با اینکه عناصر تشکیل دهنده ی بدنش بارها تغییر کرده ولی روحش ثابت است .
- ۲۲- کسانی که در حادثه ای قسمتی از بدن خود را از دست می دهند ، هرگز احساس نمی شود که مقداری از هویت شان کم شده ، چون ثبات و هویت ما ناشی از ثبات اندام های ما نیست .
- ۲۳- روح اگر به فضیلت ها آراسته شود مقرب خدا و مسجود فرشتگان میشود و اگر به رذیلت ها تن دهد تا اعماق جهنم سقوط می کند ؛ پس روح ثابت است ولی اخلاق و روحيات تغییر می کند و عوض می شوند .
- ۲۴- ما هنگام خواب رؤیاهایی می بینیم که ممکن است خبر از حوادث گذشته یا رویدادهای آینده بدهند ؛ چون جسم ما محدود به زمان و مکان است ، پس رؤیاهای صادق **غیر مادی بودن روح** را ثابت می کنند ؛ ( مثل خواب یوسف و ... )
- ۲۵- یوسف (ع) خواب می بیند ۱۱ ستاره و خورشید و ماه به او سجده می کنند . در ابتدا یعقوب پیامبر (ع) و سپس خود یوسف (ع) هم آن را تعبیر میکند و تعبیر آن رسیدن به مقام نبوت و فرمانروایی است . ( اِنِّی رَأِیْتُ أَحَدَ عَشَرَ کَوْکَبًا )
- ۲۶- مَلِک مصر خواب می بیند ۷ گاو لاغر ، ۷ گاو چاق را می خورند ... یوسف (ع) آن را تعبیر می کند یعنی ۷ سال آبادانی و ۷ سال خشک سالی . ( اِنِّی أَرِی سَبْعَ بَقَرَاتٍ سَمَانٍ ... )
- ۲۷- هم زندانی یوسف (ع) خواب می بیند انگور را برای تهیه شراب می فشارد . یوسف (ع) تعبیرش می کند که او دوباره به مقام قبلی اش یعنی تهیه شراب برای پادشاه منصوب می شود . ( اِنِّی أَرَانِی أَعْصِرُ خَمْرًا )
- ۲۸- دومین هم زندانی یوسف خواب می بیند که روی سرش سبد نان می برد و پرندگان از آن می خورند ، یوسف پیامبر (ع) تعبیرش می کند که بر دار آویخته می شود و پرندگان از سر او می خورند . ( اِنِّی أَرَانِی أَحْمَلُ فَوْقَ رَأْسِی خُبْرًا )

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است

با دوستان مروت ، با دشمنان مدارا !

## درس پنجم : پنجره ای به روشنائی

- ۱- آسمان ها و زمین را جز به حق نیافریدیم و سرآمدی مشخص دارند ولی کسانی که کافر شدند به آن بی توجه اند .  
« مَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَ الَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أَنْذَرُوا مُعْرِضُونَ »
- ۲- یکی از نتایج خلق آسمان ها و زمین به حق ، این است که ، به کسی **ظلم نمی شود** ؛ « وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ »
- ۳- کسانی که به دیدار خدا امید ندارند و به زندگی دنیا راضی شده اند و به آن آرامش گرفته اند و از آیات خدا غافلند جایگاهشان آتش است . ( به دلیل عملکردشان ) .



- ۴- زیان کارترین مردم در کارها کسانی اند که تلاششان در دنیا گم شد زیرا به آیات خدا و دیدار او کافر شدند پس اعمالشان باطل شد و در قیامت هیچ وزنی ندارد در حالیکه خودشان می پندارند بهترین عملکرد را داشته اند .
- ۵- **آخسرین اعمالاً** یعنی زیان کارترین افراد در کارها این ها همان کسانی هستند که تلاششان در زندگی دنیا گم شد . عبارت « **الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ** » با عبارت « **فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ** » ارتباط مفهومی دارد .
- ۶- زندگی دنیا بدون ایمان و بدون توجه به آخرت فقط **لَهْوٌ وَ لَعِبٌ** است . ( سرگرمی و بازی )
- ۷- **دَارُ الْآخِرَةِ** یا زندگی آخرت ، زندگی اصلی است . ( **لَهْيَ الْحَيَاةِ** = زندگی آخرت )
- ۸- مژده ی : **فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ** به کسانی است که به خدا و آخرت ایمان آورند و عمل صالح انجام دهند .
- ۹- خدا سعی کسانی را قبول می کند و زندگیشان را **ثمر بخش** می کند که : ( **... فَأُولَئِكَ كَانَتْ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا** )
- الف - آخرت را بخواهند      ب - برای آن تلاش کنند      ج - مؤمن باشند
- ۱۰- پدیده ای حتمی که فرا روی ماست و فرار از آن عین نزدیک شدن به آن است ، **مرگ** است .
- ۱۱- دو دیدگاه درباره ی مرگ :
- ۱- دیدگاه اول = دیدگاه متکرران معاد      ۲- دیدگاه دوم = دیدگاه پیامبران الهی
- ۱۲- دیدگاه اول مرگ را پایان زندگی می داند و انسان را فقط مادی می داند که با مرگ نابود می شود .
- ۱۳- از پیامدهای مهم دیدگاه اول این است که همین زندگی چند روزه ی دنیا برای انسان بی ارزش می شود و دچار یأس و ناامیدی می شود و از دیگران کناره گیری می کند و یا راه غفلت از مرگ را در پیش می گیرد .
- ۱۴- آنچه باعث میشود که پیروان دیدگاه اول به غفلت از مرگ یا ترس و اضطراب از آن برسند **میل به جاودانگی** است .
- ۱۵- پیروان دیدگاه دوم ، مرگ را پایان زندگی نمی دانند و از آن نمی ترسند : « **فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ** » علت ۱
- ۱۶- مرگ مانند غروبی است که طلوعی درخشان تر دارد . ( دیدگاه دوم )
- ۱۷- مرگ مانند پلی است که آدمی را به هستی بالاتر ( آخرت ) می رساند . ( دیدگاه دوم )
- ۱۸- پیامبر (ص) : برای نابودی و فنا خلق نشده اید بلکه برای بقا خلق شده اید و با مرگ به جهان دیگر منتقل می شوید .
- ۱۹- پیامبر (ص) : **با هوش ترین** مؤمنان کسانی هستند که فراوان به یاد مرگ اند و برای آن آماده ترند . ( دیدگاه دوم )
- ۲۰- امام علی (ع) : آدمی در عین حال که از مرگ می گریزد ، آن را ملاقات می کند . ( دیدگاه دوم )
- ۲۱- اولین پیامد دیدگاه دوم ، بیرون آمدن زندگی از بن بست و باز شدن پنجره ی امید به روی انسان است .
- ۲۲- **حَفَرِ چاه** توسط علی (ع) و وقف آن مربوط به پیامد اول دیدگاه دوم یعنی بیرون آمدن زندگی از بن بست است .
- ۲۳- دومین پیامد دیدگاه دوم ، **نترسیدن از مرگ** است .
- ۲۴- خداپرستان آرزوی مرگ ندارند بلکه **عمر طولانی** می خواهند تا با اندوخته ای کاملتر خدا را ملاقات کنند .



- ۲۵- نترسیدن از مرگ علت و سبب می شود تا از حق مظلوم دفاع کنیم و شجاعت به مرحله ی عالی خود برسد .
- ۲۶- امام حسین (ع) مرگ را سعادت و زندگی با ظالمان را فنگ و خواری میداند ؛ اِنِّی لَا اَرِی الْمَوْتَ اِلَّا سَعَادَةً وَ الْحَیَاةَ ... مفهوم : دیدگاه دوم ، پیامد دوم یعنی نهراسیدن از مرگ
- ۲۷- حضرت قاسم فرزند امام حسن (ع) شهادت را شیرین تر از غسل می داند . ( دیدگاه دوم ، پیامد دوم : نترسیدن از مرگ )
- ۲۸- اشراف قوم که کافر بودند و خدا در دنیا آنها را مرفه ساخته بود ، گفتند ؛ این پیامبر بشری مثل شماست که مثل شما می خورد و می نوشد ؛ اگر از او اطاعت کنید ، زیانکارید ؛ آیا او می گوید ؛ بعد از مرگ زنده می شوید ! ( هیئات ! )
- زندگی فقط در این دنیاست و دوباره زنده نمی شوید ؛ « قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ ... » ( دیدگاه اول )
- ۲۹- کودکی که متولد میشود نهال عشق و محبت را در دل پدر و مادر می پرورد و در دوره نوجوانی احساس استقلال میکند .
- ۳۰- انسانی که دارای دیدگاه دوم است ، خستگی ناپذیر می شود و از کار خود لذت می برد و می داند ؛ هر چه بیشتر به دیگران خدمت کند ، آخرتش زیبا تر می شود . ( مثل وقف چاه و نخلستان توسط امام علی )
- ۳۱- « اِنَّ الدِّیْنَ لَا یَرْجُوْنَ لِیَقَآءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَیَاةِ الدُّنْیَا وَ اطْمَآنَاوْا بِهَا » ؛ راضی شدن به زندگی دنیا و اطمینان به آن و امید نداشتن به ملاقات خدا باعث غفلت از آیات خدا می شود .
- ۳۲- خدا آسمان و زمین را به حق خلق کرد تا هر کس به باداش و جزای آنچه می کند ، برسد . ( عدل ) ( لِتَجْزِیَ كُلُّ نَفْسٍ )

## درس ششم : آینده ی روشن

- نکته ی ۱- پیامبران الهی مرگ را گذرگاهی به حیات برتر می دانند . ( دیدگاه دوم )
- ۲- دفع خطر احتمالی لازم است . ( قانون عقلی )
- ۳- مهم ترین خبری که انبیاء برای بشر آوردند معاد و سرای آخرت است .
- ۴- خبر از قیامت از قطعی ترین خبرهاست . ( لَیَجْمَعَنَّکُمْ اِلَی یَوْمِ الْقِیَامَةِ وَ مَنْ اَصْدَقُ مِنَ اللّٰهِ حَدِیثًا )
- ۵- لازمه ی ایمان به خدا ایمان به آخرت است .
- ۶- در قرآن بیشترین آیه درباره ی توحید و یکتا پرستی است .
- ۷- در قرآن بعد از توحید بیشترین آیه درباره ی معاد است .
- ۸- ضرورت معاد بر دو اساس بیان شده است ؛ ۱- بر اساس حکمت ۲- بر اساس عدل
- ۹- حکیم کسی است که کارهایش هدفمند است و به نتایج صحیح و درست منتهی می شود .
- ۱۰- سر چشمه ی کار عبث و نادانی است .



- ۱۱- سر چشمه ی همه ی زیبایی ها و کمالات **خداوند** است .
- ۱۲- اگر در تستی یکی از این کلمات باشد جواب تست ضرورت معاد بر اساس **حکمت** خدا است :
- ۱- حق و باطل      ۲- غیث و بیهوده      ۳- هدفمندی
- ۴- میل به جاودانگی و بی نهایت طلبی      ۵- بازگشت به اصل و یُرْجَعُونَ
- ۱۳- آیه « **اللّٰهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَجْمَعَنَّكُمْ ...** » : خدای یگانه **حتماً** شما را در روز قیامت که در آن شکی نیست ، جمع میکند .
- مفهوم : ضرورت معاد : در ادامه این آیه به صداقت و راستگویی خدا اشاره میکند یعنی این خبر ( معاد ) هم **حتماً** راست است .
- ۱۴- آیه ی « **أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ** » مفهوم : ضرورت معاد بر اساس **حکمت**
- ۱۵- « **وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا ذَلِكَ ظَنُّ الَّذِينَ كَفَرُوا** » مفهوم : ضرورت معاد بر اساس **حکمت**
- ۱۶- **گمان** کافران چیست ؟ این است که آسمان و زمین و آنچه بین آنهاست ، بیهوده و باطل آفریده شده اند .
- ۱۷- کدام طلب به هیچ حدی **محدود نمی شود** ؟ طلب کمالات و زیبایی ها
- ۱۸- گریزان بودن از مرگ و تلاش برای حفظ و بقای خود ، مربوط به **میل به جاودانگی** است . ( جزء ضرورت معاد ، حکمت )
- ۱۹- نمی شود انسان عاشق خدا از هستی ساقط شود و همه کمالات را از دست بدهد . ( جزء ضرورت معاد ، حکمت )
- ۲۰- پیامبر (ص) : آسمان ها و زمین بر اساس **عدل** یا برجا است . ( بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ ) هم مفهوم با نکته ی ۲۴
- ۲۱- آسمان ها و زمین بر اساس **حق** آفریده شده اند .
- ۲۲- در دو مورد انسان در این دنیا به حق خود و عدالت نمی رسد :
- ۱- پاداش شهادت و کارهای نیک فراوان
- ۲- مجازات کسانی که ظلم و ستم کرده اند ؛ مثلاً چند نفر را به قتل رسانده اند .
- ۲۳- اگر یکی از این موارد در تستی بیاید جواب تست : ضرورت معاد بر اساس **عدل** است .
- ۱- الذین آمنوا و مفسدین ... - متقین و فجار ...
- ۲- پاداش شهادت و کارهای نیک فراوان و استحقاق حق
- ۳- مجازات ظلم و ستم و قاتل چندین نفر
- ۲۴- آیه ی « **خَلَقَ اللَّهُ سَمَآوَاتٍ وَ الْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ لِيُجْزَى كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ** » : خدا آسمانها و زمین را به حق آفرید تا هر کس به پاداش آنچه انجام داده برسد ، پیام : ضرورت معاد بر اساس **عدل** ( علّت و معلول )
- این آیه با سخن پیامبر (ص) : **بِالْعَدْلِ قَامَتِ السَّمَاوَاتُ وَالْأَرْضُ** ، هم مفهوم است .
- ۲۵- آیه « **... كَالْمُفْسِدِينَ ... أَمْ تَجْعَلِ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ** » : آیا کسانی که ایمان آوردند و عمل صالح انجام می دهند را مانند مفسدان قرار می دهیم ؟ آیا پرهیزکاران را مانند بدکاران قرار می دهیم ؟ مفهوم : ضرورت معاد بر اساس **عدل**



۲۶- امکان بر پایی قیامت به دو دلیل : ۱- حقیقت وجود انسان نفس یا روح است .

۲- امکان آفرینش مجدد جسم و معاد جسمانی

۲۷- امکان معاد جسمانی به ۳ دلیل : ۱- قدرت خدا ۲- خلقت نخستین انسان ۳- مرگ و زندگی در طبیعت

۲۸- آیا انسان می پندارد که استخوان های او را جمع نمی کنیم ، بلکه حتی قادریم که اثر انگشتان او را دوباره بسازیم .

« أَيْحَسِبُ الْإِنْسَانُ أَنْ لَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ » مفهوم : ( امکان معاد ، قدرت خدا )

۲۹- برای ما مثلی زد ، در حالی که خلقت خود را فراموش کرده بود ؛ گفت : چه کسی این استخوان های پوسیده را زنده

می کند ؟ بگو : کسی که نخستین بار آن ها را ایجاد کرد . « ضَرَبَ لَنَا مَثَلًا ... الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ »

مفهوم : امکان معاد جسمانی با توجه به خلق نخستین انسان

۳۰- خدا بادهای را فرستاد « ... أَرْسَلَ الرِّيحَ ... » تا ابرها را حرکت دهند و زمین مرده را بعد از مرگش زنده کنند ، رستخیز

هم همین طور است . مفهوم : امکان معاد جسمانی با توجه به مرگ و زندگی در طبیعت

۳۱- آیه ی « يَخْرُجُ الْخَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ ... » = زنده را از مرده بیرون می آورد و زمین را بعد از مرگش زنده می کند و شما

هم اینگونه از قبر خارج می شوید . مفهوم : امکان معاد جسمانی با اشاره به مرگ و زندگی در طبیعت .

« قَالَ مَثَلُ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّهُمْ لَا يُرْجَوْنَ أَكْثَرُ زَادَ كَذِبَهِمْ » - خوش قدم بوده اند و پُر روزی

## درس هفتم : منزلگاه بعد = برزخ

نکته ی ۱- لغت برزخ یعنی فاصله ی بین دو چیز و اصطلاح برزخ یعنی فاصله ی بین دنیا و آخرت .

۲- تَوَفَّى یعنی فرشتگان روح انسان را به طور کامل دریافت می کنند . ( اشاره به بُعد روحانی )

۳- وجود لغت تَوَفَّى در آیه نشانه ی برزخ است . ( کلید آیه : الَّذِينَ تَوَفَّاهُمْ ؛ و : الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمْ )

۴- روح انسان در برزخ حیات و شعور دارد و با فرشتگان گفت و گو می کند و اموری را مشاهده می کند .

۵- بخشی از پاداش و جزا در برزخ است . مؤمنان در بهشت برزخی و کافران در جهنم برزخی هستند ؛ بهشت برزخی و

جهنم برزخی تجلی کوچکی از بهشت و جهنم اخروی است .

۶- کارهایی که با مرگ پرونده ی آنها بسته نمی شود و نتایج خوب و یا بد آنها در برزخ به ما می رسد ، آثار ما تا آخر

نامیده می شوند . مثل ساختن مسجد ، کاشتن درخت ، تربیت بچه ی بد یا خوب

۷- پیامبر ( ص ) با اجساد کشتگان جنگ بدر درباره ی تحقق وعده ی پروردگار سخن گفت و فرمود : اینان اکنون از شما

شنواترند . مفهوم نکته ی ۷ و ۸ : داشتن حیات و شعور و بالا رفتن درک در برزخ و ارتباط برزخ با دنیا



- ۸- امام کاظم (ع) : مؤمن بعد از مرگ **حداقل هر جمعه** و بر حسب مقدار فضیلت هایش به خانواده اش سر می زند .
- ۹- امام صادق (ع) : بعد از مرگ شخصی بر انسان ظاهر می شود و با او سخن می گوید : « ما در دنیا ۳ چیز بودیم : رزق ، خانواده و **عمل** ، رزق با مرگ قطع می شود ، خانواده مرده را رها می کنند ، فقط من که عملی هستم با تو باقی می مانم ؛ در حالیکه آن در دنیا برای تو خیلی سبک و بی ارزش بودم » . مفهوم : زندگی روح در برزخ و تجسم اعمال
- ۱۰- پیامبر (ص) : هر کس سنت نیکی را جاری سازد تا وقتی مردم به آن عمل می کنند برای او هم ثواب می رود و اگر سنت زشتی را باب کند ، برایش گناه می نویسند ، بدون آنکه از ثواب و گناه **عامل اصلی** آن کم شود . ( آثار ما تأخر )
- ۱۱- امام صادق (ع) : مؤمن بعد از مرگ از ۶ چیز بهره می برد . ( آثار ما تأخر ) **مُخَفَّفٌ** = **چک فادر**
- ۱- چاه آب      ۲- کتاب قرآنی که قرائت شود      ۳- فرزند صالح
- ۴- آبی که برای خیرات جاری کرده      ۵- درختی که کاشته      ۶- روش پسندیده
- ۱۲- آیه « وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ ... » و آیه « بِمَا قَدَّمُوا وَ آخِرُ » مفهوم : آثار ما تَقَدَّمَ و ما تَأَخَّر و هم مفهوم نکته ۱۰ و ۱۱
- ۱۳- وقتی مرگ یکی از گناهکاران فرا می رسد ، میگوید : خدایا مرا به دنیا بازگردان شاید **عمل صالح** انجام دهم :
- ( **قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ** ) ، ولی بدنبال آن ها **برزخی** است تا روز قیامت . ( زنده بودن روح در برزخ و پذیرش تأثیر عمل صالح )
- ۱۴- در قرآن گناه ، **ظلم به نفس** یا ستم به خویش نامیده می شود .
- ۱۵- آیه ی « الَّذِينَ تَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ ... مَا لَهُمْ خَيْرٌ ... » اشاره به **جهنم برزخی** است .
- ۱۶- آنها که به خودشان ظلم کرده اند ، فرشتگان به آنها میگویند : در چه حالی بودید ؟ میگویند : ما در زمین مستضعف بودیم ملائکه می گویند : مگر زمین خدا پهناور نبود تا در آن **مهاجرت** کنید . ( أَلَمْ تَكُنْ أَرْضَ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا )
- پس آنها جایگاهشان جهنم است و چه بازگشت بدی است !! ؛ **جهنم برزخی** ( أُولَئِكَ مَا لَهُمْ جَهَنَّمُ وَ سَاءَتْ مَصِيرًا )
- ۱۷- آیه ی « الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ ... سَلَامٌ عَلَيْكُمْ **أَدْخِلُوا الْجَنَّةَ** » کسانی که پاکیزه هستند ، ملائکه روح آن ها را تَوَقَّى می کنند و به آن ها می گویند : **سلام بر شما** ، وارد بهشت شوید . ( اشاره به بهشت برزخی )
- ۱۸- **لَعَنَ تَوَقَّى** اشاره به : **برزخ** ؛ **قَدَّمَ** و **أَخَّرَ** اشاره به تشابه **برزخ و قیامت** ؛ و **لَعَنَ السَّاعَةَ** اشاره به **قیامت** دارد .
- ۱۹- **أَدْخِلُوا الْجَنَّةَ** درباره ی بهشت **برزخی** است ؛ ولی **قَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ** درباره ی بهشت **آخری** است .
- ۲۰- در جهنم **برزخی** بدترین عذاب ها برای آل فرعون بوده است . ( **سُوءَ الْعَذَابِ** )
- ۲۱- در جهنم **آخری** ( رستاخیز ) شدیدترین عذاب ها برای آل فرعون خواهد بود . ( **أَشَدُّ الْعَذَابِ** )
- ۲۲- « النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَ غَشِيَا » : آل فرعون هر بامداد و شامگاه بر آتش عرضه می شوند . ( در جهنم برزخی )
- ۲۳- پیام کلمه ی « غُدُوًّا وَ غَشِيَا » : برزخ هم مثل این دنیا دارای صبح و شب است . ( مشابهت زمانی بین عالم دنیا و آخرت )
- ۲۴- برزخ تا چه زمانی است ؟ **إِلَى يَوْمٍ يُبْعَثُونَ** ( تا روزی که برانگیخته شوند . )



## درس هشتم : واقعه ی بزرگ = قیامت

نکته ی ۱- پایان زندگی انسان ها با برپایی قیامت همراه است و قیامت دارای ۲ مرحله است :

مرحله ی اول : مردن همه و برچیده شدن بساط حیات

مرحله ی دوم : زنده شدن همه و حاضر شدن برای محاکمه

۲- اگر در تست یکی از این ۳ مورد باشد مربوط به مرحله ی اول است و اگر این ها نبود مرحله ی دوم است :

۱- نَفْخ صور اول ۲- مدهوشی اهل آسمان و زمین ( صَعِقَ ) ۳- تغییر ساختار آسمان و زمین .

۳- اولین حادثه در مرحله اول قیامت بانگ سهمگین و تحوّل مهیب نَفْخ صور اول است که قرآن آن را صیحه می نامد .

۴- آیه ی « وَ نَفْخَ فِي الصُّورِ » : و دمیده می شود در شیپور ؛ منظور شیپور زدن برای اولین بار است . ( مرحله اول )

۵- « فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ... » : پس مدهوش می شود آنکه در آسمان ها و زمین است ، به جز آن که خدا

خواسته است . مفهوم : مدهوشی اهل آسمان و زمین در مرحله ی اول .

۶- آیه ی « ثُمَّ نَفْخَ فِيهِ أُخْرَى » : سپس بار دیگر در شیپور دمیده می شود ؛ مفهوم : نفخ صور دوم ، مرحله دوم قیامت

۷- عبارت « وَ وَضِعَ الْكِتَابُ » : و قرار داده می شود کتاب ؛ منظور : کتاب اعمال و ثبات است . ( مرحله دوم )

۸- عبارت « فَلَا تَظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئاً » : به هیچ کس کمترین ستمی نمی شود و علت آن این است که در قیامت ترازوهای

دادگری برپا می شود . ( موازین القسط )

۹- عمل انسان اگر به اندازه ی دانه ی خردلی هم باشد به حساب می آید . ( تجسم تمام اعمال و نیات )

۱۰- آیه « الْوِزْنُ يُوْزَنُ الْحَقُّ » : میزان و وسیله ی سنجش اعمال در قیامت حق است ، یعنی به میزانی که اعمال مشتمل

بر حق و عدل باشد ، ارزشمند و ثقیل و سنگین است و اگر مشتمل بر حق و عدل نباشد ، سبک و خفیف است .

۱۱- کسی که کتاب اعمالش به دست راستش داده می شود ، می گوید : بیایید نامه ی عمل من را بخوانید .

« هَاؤُمِ اقْرَؤْا كِتَابِيَه » ( یمینه = دست راستش ) « چون ترازوی اعمالش سنگین بوده است . »

۱۲- کسی که نامه عملش به دست چپش داده می شود ، می گوید : کاش نامه ی عملم به من داده نمی شد .

« يَا لَيْتَنِي لَمْ أُوتَى كِتَابِيَه » ( شماله = دست چپش ) « چون ترازوی اعمالش سبک و بی ارزش بوده است . »

۱۳- آیه ی « مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ ... وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ » اشاره به معاد جسمانی و زنده شدن انسان ها در مرحله ی دوم

۱۴- آیه ی « إِذَا سَّمَاءٌ أَنْشَقَّتْ ..... » : آن گاه که آسمان شکافته شود و زمین گسترده شود ....

۱۵- آیه « إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ وَ إِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ وَ ... » : هنگامیکه خورشید درهم پیچیده شود و ستارگان تیره شوند

و کوهها به حرکت درآیند و شترهای ماده رها شوند و جانوران وحشی محشور شوند و دریاها جوشان شوند .

مفهوم نکته ی ۱۴ و ۱۵ : تغییر زمین و آسمان در مرحله ی اول قیامت .



- ۱۶- مرحله دوم به ترتیب دارای هفت اتفاق است که انسان ها آماده ی دریافت پاداش و کیفر می شوند : نزن بحق نامه اعمال
- ۱- نفخ صور دوم ۲- زنده شدن همه ی انسان ها ۳- نورانی شدن زمین ۴- برپایی دادگاه عدل ۵- حضور شاهدان و گواهان ( فرشتگان و اعضای بدن و ... ) ۶- قضاوت بر معیار حق ۷- دادن نامه اعمال
  - ۱۷- منظور از نورانی شدن زمین : حوادث ( تلخ و شیرین ) را که بر آن گذشته آشکار می کند . ( أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا )
  - ۱۸- پیامبران و امامان چون ظاهر و باطن اعمال را دیده و از هر خطایی مصون هستند ، بهترین گواهان قیامت اند .
  - ۱۹- بهترین گواهان قیامت پیامبران و امامان هستند . معلول
  - ۲۰- رسول خدا شاهد و ناظر همه ی پیامبران و امت ها است .
  - ۲۱- وقتی بدکاران در دادگاه قیامت سوگند دروغ می خورند ، کدام مورد علیه آن ها شهادت می دهد ؟
  - اعضا و جوارح بدن خودشان . ( مربوط به پنجمین اتفاق مرحله ی دوم قیامت : شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ ... )
  - ۲۲- آیه « شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَ أَبْصَارُهُمْ وَ جُلُودُهُمْ » شهادت می دهد بر علیه آنها گوششان ، چشمشان و پوستشان می گوید : ما را خدایی به زبان آورده که هر چیز را به زبان می آورد . ( شهادت اعضای بدن ، مرحله دوم )
  - ۲۳- آیه ی « وَ جِئَ بِالنَّبِيِّنَ وَ الشُّهَدَاءِ » در مرحله ی دوم پیامبران و شاهدان آورده می شوند نه شهیدان !
  - ۲۴- معیار سنجش حق است و آنچه مشتمل بر حق و عدل نباشد ، سبک است و وزنی ندارد و رفتار پیامبران و امامان نیز چون عین حق است ، معیار سنجش قرار می گیرد .
  - ۲۵- نامه ی این دنیا صرفاً گزارشی از عمل است اما نامه ی آخرت شامل خود عمل و عین عمل است .
  - ۲۶- امام صادق (ع) : منظور از خواندن نامه ی اعمال ، به یاد آوردن است .
  - ۲۷- « وَ نُفِخَ فِي صُورٍ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُنْسَلُونَ » : و دمیده می شود در صور ، ناگهان آنها ( کافران ) از قبرها به سوی پروردگارشان می شتابند و می گویند : ( قَالُوا يَا وَيْلَنَا ... ) وای بر ما ، چه کسی ما را از مرقدمان برانگیخت ؟
  - این وعده خداست و رسولان راست گفته بودند . ( مرحله دوم ، هم مفهوم قیام یَتَظَرَّوْنَ ، زنده شدن مجدد )
  - ۲۸- فرشتگان در طول روز ( طول زندگی ) مراقب انسان بوده اند و تمام اعمال و نیات را ثبت و ضبط کرده اند .



نکته ی ۱- نگیبانان جهنم به کافرانی که از آنها درخواست تخفیف می کنند ، می گویند : **آیا رسولانی از خودتان نیامد ؟**

۲- نگهبان بهشت به پرهیزکاران می گوید: درود بر شما پاک شدید. «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِینَ»

۳- «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ وَمَنْ ...»: هر کس به اندازه ی ذره ای کار خیر و یا شر انجام دهد، در قیامت آن را می بیند. (مفهوم: تجسم عین عمل و خودِ عمل)

۴- دوزخیان می گویند: پروردگارا! ما را به دنیا برگردان تا عمل صالح انجام دهیم، پاسخ قطعی خدا این است: آیا به اندازه ی کافی عمر نداشتید؟! اگر برگردید دوباره همان راه گذشته را پیش می گیرد.

۵- «وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا» : کافران گروه گروه بسوی جهنم رانده میشوند ؛ و همین طور متقین به بهشت ؛  
«وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَى الْجَنَّةِ زُمَرًا» ؛ پس جهنم و بهشت دارای مراتب و درجات مختلف است .

۶- جهنم ۷ در دارد و منظور از درها راههای ورود گروه های مختلف است.

۷- دوزخیان شیطان و بزرگان‌شان را علت گمراهی خود معرفی میکنند: ولی شیطان میگوید: من بر شما تسلطی نداشتم مرا سرزنش نکنید، خودتان را سرزنش کنید، من فقط دعوت کردم و شما به اختیار خود پذیرفتید.

۸- بهشت ۸ در دارد که راه ورود بهشتیان است ، یک در برای پیامبران و صدیقان و یک در برای شهیدان و صالحان .

۹- بالاترین درجه ی بهشت فردوس است و اگر چیزی از خدا می خواهید فردوس را طلب کنید .

۱۰- بالاترین مرتبه‌ی نعمت‌های بهشت لقاء و دیدار خداست که اولیای خدا در طلب آن هستند.

۱۱- رضایت در بهشت دو طرفه است ؛ رضایت خدا و انسان از یکدیگر . « یا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً »

۱۲- بهشت برای بهشتیان دارُ السلام است یعنی سرای سلامتی.

۱۳- بهشتیان با خدا هم صحبت اند و به جمله ی «خدا یا تو پاک و منزهی = سبحانک اللهم» مُتَرَنَم هستند.

۱۴- مجازات و پاداش ۳ گونه است . ۱- قراردادی ۲- طبیعی ۳- تجسم اعمال

۱۵- مجازات قراردادی یا تغییرپذیر طبق قوانین و مقررات است؛ مانند جریمه‌ی رانندگی است و باید بین جرم و کیفر تناسب باشد تا عدالت رعایت شود.

۱۶- مجازاتِ طبیعی ، محصول طبیعیِ خود عمل است و نمی توانیم تغییرش دهیم ؛ مانند سیگار کشیدن و مریض شدن که تناسب هم نمی خواهد ، ( تغییر ناپذیر )

۱۷- مجازات تجسم اعمال از دوتای اول عمیق تر و کاملتر است و مخصوص آخرت است؛ جنبه ی باطنی و عینی عمل را به صورت حقیقی مشاهده می کنیم و تناسب رعایت می شود چون خود عمل را به ما بر می گردانند.



۱۸- هر عملی دو نقش دارد : نقشی در جان ما و نقشی در خارج ، **نقش خارجی** از بین می رود ولی جنبه باطنی و غیبی از بین نمی رود و در قیامت حاضر می شود .

۱۹- پیامبر (ص) : **همنشین تو کردار تو است** ؛ پیام : تجسم اعمال

۲۰- امام صادق (ع) : **عمل** در دوره ی **برزخ** به صورت **یک شخص** بر انسان ظاهر می شود . پیام : تجسم اعمال

۲۱- قرآن خطاب به کسانی که زر و سیم می اندوزند و انفاق نمی کنند ، می گوید : روزی با همین زر و سیم ها بر پشت آنها می زنند و می گویند : **بچشید آن چه را که می اندوختید** . پیام : تجسم اعمال

۲۲- خوردن اموال یتیم به ستم ، در قرآن ، به خوردن آتش تشبیه شده است . پیام : تجسم اعمال

۲۳- پیامبر (ص) : دنیا مزرعه ی آخرت است ؛ در این مزرعه ، بهترین و مناسب ترین زمین برای کشت محصول آخرت

**دل انسان است ؛ عمل صالح ، بذر آن است و ارتباط با خدا ، آبیاری کردن آن است ؛ توبه ، پاک کردن آن از**

**علف های هرز و دوری از وسوسه ی شیطان و هوای نفس ، مراقبت از این زمین ، در مقابل آفات است .**

۲۴- رانده میشوند بایقویان به سوی بهشت گروه گروه وقتی به آنجا رسیدند درهای آنجا باز میشود و نگهبان بهشت به آنها

میگوید : درود بر شما پاک شدید ، جاودانه در آن وارد شوید ؛ بهشتیان گویند : ستایش خدای که وعده اش راست بود و

زمین را به ما میراث داد که در بهشت جای میگیریم ، هر جا که بخواهیم ( خبث نشاء ) پس چه نیک است پاداش عمل کنندگان .

## درس دهم : اعتماد بر او - توکل

نکته ی ۱- « أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ » آیا خدا برای بنده اش کافی نیست ؟ ( درباره ی توکل )

۲- خدا خطاب به پیامبر (ص) : به برکت رحمت خدا با مردم نرم و مهربان شدی « ... لَئِنْ لَهْم ... » اگر درشت خو و سنگ دل

بودی ، از اطرافت پراکنده می شدند ، از آنها در گذر و برای آنها استغفار کن و در کارها با آن ها مشورت کن

« شاورهم فی الامر ... » و هنگامی که تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن . ( فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ )

۳- و تَوَكَّلْ عَلَى حَيٍّ الَّذِي لَا يَمُوت ... و توکل کن بر زنده ای که نمی میرد و همراه تسبیح ستایشش کن و همین علت

برای توکل بر او و تسبیحش کافی است که او به گناهان بندگان آگاه است . ( وَ كَفَى بِهِ يَذْنُوبٍ عَابِدٍ خَبِيرًا )

۴- توکل یعنی اعتماد به خدا و سپردن نتیجه کارها به او ، در اینصورت آرامش دهنده به انسان و امیدوارکننده است .

۵- وجود کلماتی مثل : **خدا کافی است** و پناه بردن به خدا ، نشانه ی توکل است .

۶- **نوجوانی و جوانی** دوران تصمیم های بزرگ است و در این دوره نیاز شدیدتری به توکل داریم .

۷- با گذشت عمر قوای انسان به سستی می گراید و توان تصمیم های بزرگ کاهش می یابد .



- ۸- توکل جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه اش را انجام دهد و بعد از تفکر و مشورت بهترین راه را انتخاب کند . توکل **جانشین تنبلی** و ندانم کاری نیست بلکه امید دهنده به اهل همت و تعقل است .
- ۹- جوانان و نوجوانان شجاعت بالایی دارند و آرمانهای آنها از نوع پرواز و رفتن و صعود است نه تجملات زندگی .
- ۱۰- توکل فقط گفتن « خدایا بر تو توکل می کنم » نیست بلکه انسان باید واقعاً در قلب خود بر خدا تکیه کند .
- ۱۱- امام صادق (ع) : خدا به داود (ع) وحی کرد : هر بنده ای با نیت خالص به من پناه آورد از کارش چاره جویی می کنم ، گر چه همه ی اهل آسمان ها و زمین علیه او برخیزند . مفهوم : توکل واقعی و قلبی .
- ۱۲- توکل کننده ی اهل معرفت میداند باید در راستای راهیابی به نیازهایش از ابزار و اسباب بهره جویید زیرا این اسباب بر اساس حکمت الهی اند و بی توجهی این به ابزار و اسباب ، بی توجهی به **حکمت و علم الهی** است .
- ۱۳- شعر : « گر توکل می کنی در کار کن کشت کن پس تکیه بر جبار کن » پیام :
- ۱۴- پیامبر (ص) به کسانی که میگفتند : ما توکل کنندگان برخداییم و کار نمی کردند ، فرمود : شما **سربار** دیگران هستید مفهوم نکته ۱۳ و ۱۴ : توکل در جایی درست است که انسان مسئولیت و وظیفه اش را انجام دهد .
- ۱۵- وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ سَمَاوَاتٍ وَ الْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ..... و اگر از آنان بپرسی چه کسی آسمانها و زمین را آفرید ؟ حتماً می گویند : الله ، بگو چه می گویند درباره آنچه غیر خدا می خوانید ( ما تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ) اگر خدا بخواهد به من ضروری برساند آیا آنها می توانند ( كَاسِفَاتِ صُورَةٍ ) باشند و با اگر رحمتی برای من بخواهد آیا آنها می توانند ( مُمْسِكَاتِ رَحْمَتِهِ ) باشند ، پس بگو خدا برای من کافی است و توکل کنندگان بر او توکل میکنند . ( منشاء توکل = خدا )

### درس یازدهم : دوستی با حق = خدا

- ۱- آفرینش با رحمت و محبت آغاز شد و خدا فرمود : « رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ » رحمتم هر چیزی را فراگرفته است .
  - ۲- خدا با اسم **رحمان** آدمیان را آفرید .
  - ۳- خدا درهای بازگشت را به سوی بندگانی که سرپیچی کرده اند گشود و اینگونه اسم **غفار** را به نمایش گذاشت .
  - ۴- شعر : نبود نقش دو عالم که رنگ الفت بود ... مفهوم : محبت خدا به مخلوقات قبل از خلق آن ها
  - ۵- آیه ی « وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَاداً » : بعضی از مردم همتایانی بجای خدا می گیرند و آنها را مانند خدا دوست دارند ؛ اما مؤمنان محبت بیشتری به خدا دارند . تولى ( الذين آمنوا أشد حبا لله )
  - ۶- آیه ی « قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي ... » : بگو اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید .
- مفهوم : پیروی از پیامبر ، پیروی از خدا و از آثار محبت به خداست . ( هم مفهوم نکته ی ۲۷ و ۲۸ )



- ۷- آیه « لَا تَجِدُ قَوْماً ... يُؤَادُونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ ... » : ای پیامبر مردمی را نیابی که به خدا و قیامت ایمان دارند اما با دشمنان خدا و رسول هم دوستی کنند گر چه آن دشمنان از بستگانشان باشد ؛ پیام : بیزاری از دشمنان خدا از آثار محبت به خداست
- ۸- آیه ی « فِی اِبْرَاهِیمَ وَ الذِّینَ مَعَهُ ... اِنَّا بَرَّاءُ مِنْکُمْ ... » ابراهیم و همراهانش اسوه و سرمشق نیکویی هستند برای شما مسلمانان ، چون به قوم خود گفتند : ما از شما بیزاریم ؛ بین ما و شما دشمنی و کینه همیشه آشکار شد تا زمانیکه به خدا ایمان آورید ، « بَدَا بَیْنَنَا وَ بَیْنْکُمْ عَدَاوَةٌ وَ الْبَغْضَاءُ اَبَدًا » پیام : مبارزه با دشمنان خدا از آثار محبت به خداست . ( تبری )
- ۹- لازمه ی دوستی با خدا پیروی از پیامبر (ص) است .
- ۱۰- لازمه ی بکارگیری روش های تبلیغ ، تعقل و خرد است .
- ۱۱- لازمه ی ایمان به خدا ، ایمان به آخرت است .
- ۱۲- لازمه ی توحید عبادی ، اطاعت از پیامبر و جانشینان او می باشد .
- ۱۳- لازمه ی کار اختیاری انسان ، تقدیرات و قانون مندی های خدا است .
- ۱۴- تاریخ سرگذشت مقابله ی دو گروه است :
- گروه اول : زندگی شان بر محور محبت و عشق به خدا است ؛ گروه دوم : محبت غیر خدا .
- ۱۵- تاریخ سرگذشت مقابله ی دو جریان بالا بوده است : مانند :
- ۱- ابراهیم با نمرود ۲- عیسی با حاکم مشرک روم و کاهنان یهودی ۳- پیامبر با مشرکان حجاز
- ۱۶- سرچشمه ی اصلی تصمیم ها و کارهای انسان محبت و دوستی است .
- ۱۷- سرچشمه ی کار عبث جهل و نادانی است .
- ۱۸- فعالیت های آدمی ریشه در دل بستگی ها دارد و همین محبت ها به زندگی آدم ها جهت می دهد .
- ۱۹- دنیای دخترها و پسرها قبل از ازدواج بر محور خود می چرخد .
- ۲۰- محبت به فرزند سبب می شود انسان از خود محوری درآید و ایثارگر شود . ( دیگر خواهی معلول محبت به فرزند )
- ۲۱- اگر در جمله ای کلمه « سبب می شود » بیاید ، عبارت قبل از آن ، علت است و کلمه بعد از آن معلول است ؛
- علت ← سبب می شود ← معلول ( معلول = نتیجه = تابع )
- ۲۲- به میزانی که ایمان اوج می گیرد محبت خدا بیشتر می شود و احساس حیات و شور و شوق وجود انسان را می گیرد ارتباط با آیه ی : الذین آمنوا أشد حُباً لله
- ۲۳- شعر : « الهی سینه ای ده آتش افروز ..... » از زبان مشتاقان عشق الهی و درباره ی محبت به حق است .
- ۲۴- عشق و محبت الهی علت است و معلول آن از بین رفتن ترس و جبن و ایجاد نشاط و شجاعت و چالاک شدن انسان تنبل و بخشنده شدن آدم بخیل و شکیب شدن آدم کم طاقت است .



۲۵- عشق به خدا چون اکسیری است که مرده را حیات می بخشد . ( زندگی حقیقی )

۲۶- آثار محبت به خدا ۴ تا :



۱- دوستی با دوستان خدا ( مَوَدَّةٌ فِي الْقُرْبَى )



۲- پیروی از خدا ( فَاتَّبِعُونِي ، مَنْ عَصَا )



۳- بیزاری از دشمنان خدا ( يَوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ )



۴- مبارزه با دشمنان خدا ( أَسْوَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَ الَّذِينَ مَعَهُ ... إِنَّا بُرَاءُ مِنْكُمْ )

۲۷- نمی شود کسی را دوست داشت اما از او سرپیچی کرد ؛ سرپیچی نشانه ی عدم صداقت در دوستی است . ⑧

مفهوم : پیروی از خدا از آثار محبت به خداست .

۲۸- شعر منسوب به امام صادق (ع) : خدا را نافرمانی می کنی و اظهار دوستی با او می نمایی ؟ .....

مفهوم : پیروی از خدا از آثار محبت به خدا است .

۲۹- در منظومه عاشقان و دوستان الهی نزدیک ترین آن ها رسول خدا و اهل بیت هستند که مظهر تمام و کمال حق و

جلوه ی زیبایی های او هستند ، هرکس این خانواده را بشناسد عشق به آن ها را در خود می یابد .

مفهوم : دوستی با دوستان خدا از آثار محبت به خداست .

۳۰- آن هایی که می گویند : قلب انسان با خدا باشد کافی است و عبادت مهم نیست ؛ حرفشان با این کلام خدا سازگار

نیست : « قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي »

۳۱- امام صادق (ع) : « مَا أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ عَصَا » : کسی که از خدا سرپیچی می کند او را دوست ندارد .

مفهوم : پیروی از خدا از آثار محبت به خدا است .

۳۲- خواسته و فرمان خدا یعنی دین ، برنامه سعادت و رستگاری ماست و در فرمانش فقط به مصلحت ما نظر دارد .

۳۳- امام سجاد (ع) : ای آرزوی دل مشتاقان ... دوستی تو و هر که تو را دوست دارد را می خواهم . ( پیروی از خدا )

۳۴- عاشقِ روشنایی از تاریکی میگریزد ، دوستدارِ زندگی از نابودی مُتفَر است و دل بسته عدالت از ظلم و ریا بیزار است .

۳۵- امام علی (ع) در مراسم حج مأموریت یافت ، اعلام کند : خدا و رسولش از مشرکین بیزارند و بهتر است ، مشرکین

توبه کنند . ( بیزاری از دشمنان خدا از آثار محبت به خدا است . )

۳۶- عاشقانِ خدا پرچم دار مبارزه با زشتی ها و ستم گران بودند .

۳۷- جهاد در راه خدا در برنامه ی تمام پیامبران بوده و بیشتر آن ها در حال مبارزه با ستم گران به شهادت رسیده اند .

پیام : مبارزه با دشمنان خدا از آثار محبت به خدا است .



۳۸- دین داری با دوستی خدا آغاز می شود و برائت و بیزاری از دشمنان خدا را به دنبال دارد . ( تولی و تبری )

«... الذین آمنوا أشدَّ حُباً لِلَّهِ»

۳۹- پایه و اساس بنای اسلام « لا اله الا الله » است که مرکب از یک نفی و یک اثبات است . ( تولی و تبری )

۴۰- امام خمینی (ره) : مگر تحقق دیانت جز اعلام محبت نسبت به حق و خشم و برائت نسبت به باطل است .

حاشا که خلوص عشقِ موحدین جز به ظهور کامل نفرت از مشرکین و منافقین میسر گردد ، باید مسلمانان فضای عالم را از محبت به ذات حق و بغض عملی نسبت به دشمنان خدا لبریز کنند . ( تولی و تبری )

۴۱- دین داری بر ۲ پایه استوار است : تولی و تبری

۴۲- اسلام بر ۵ پایه استوار است : مُخَقَّف = روح زن = روزه - ولایت - حج - زکات - نماز

ساده باشیم ، چه در باجه ی یک بانک ، چه در زیر درخت ..... ساده باشیم و نخواهیم که پلنگ از در خلقت پرود بیرون ....

برو ای گدای مسکین ، در خانه ی علی زن که نگین پادشاهی دهد از گرم گدا را

## درس دوازدهم : فضیلت آراستگی

نکته ی ۱- حدیث « إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ » : خدا زیباست و زیبایی را دوست دارد .

مفهوم : فضیلت آراستگی و تجمل در اسلام

۲- رشته ای نامرئی و ظریف ، سه مفهوم حضور عزتمند ، عفیفانه و آراسته در جامعه را به هم پیوند می دهد .

۳- « قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ... قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا... » بگو : چه کسی زیورهایی را که خدا برای بندگانش

فرستاده و روزی های پاکیزه را حرام کرده ؟ این ها برای مؤمنین است در زندگی دنیا و در قیامت خاص مؤمنان است .

مفهوم : فضیلت آراستگی - تعادل در استفاده از نعمت های دنیا و آخرت .

۴- « قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ... وَ الْإِثْمَ وَ الْبَغْيَ وَ أَنْ تُشْرِكُوا... وَ أَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ » بگو پروردگارم فقط

این ۵ چیز را حرام کرده : ۱- زشت کاری چه آشکار و چه پنهان ۲- گناه ۳- سرکشی ۴- شرک ۵- دروغ بستن به خدا

مفهوم ۱ : فضیلت آراستگی - تعادل در نعمت های دنیوی و اخروی

مفهوم ۲ : قرآن انسان را به جای روی گردانی از نعمت های حلال دنیا به دوری از گناهان توصیه کرده است .

۵- آیه ی « يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا... رِيشًا... » : لباسی بر شما فرستادیم که ناپسندی های شما را می پوشاند

و زینت است ولی لباس تقوا بهتر است . مفهوم : فضیلت آراستگی

۶- « يُوَارِي سَوَآتِكُمْ وَ رِيشًا » : لباس ، ناپسندی های شما را می پوشاند و مایه ی زینت هم هست .



۷- در عبارت : « و لباس التقوی ذلک خیر » تقوا به لباس تشبیه شده است .

۸- خداوند زینت های جهان را حرام نکرده است .

۹- زینت ها و روزی های پاک در آخرت اختصاص به مؤمنان دارد .

۱۰- خدا پوشش را برای ۲ هدف قرارداد : ۱- حفظ انسان از ناپسندی و مایه ی عفاف ۲- زینت و آراستگی

۱۱- پیامبر (ص) : لباس سفید و روشن بپوشید که پاک تر و پاکیزه تر است . ( پاک تر بودن = علت )

۱۲- آراستگی از اخلاق مؤمنان است و خدا از نپرداختن به خود و ژولیدگی بدش می آید .

۱۳- دو رکعت نماز ، با بوی خوش ، بهتر از ۷۰ رکعت نماز بدون بوی خوش است .

۱۴- پیامبر (ص) قبل از ملاقات با دیگران به آینه نگاه می کرد و موهای خود را شانه می کرد ؛ او می گفت : خدا دوست

دارد بنده اش خود را آماده و آراسته کند .

۱۵- شیوه رسول خدا در آراستگی سبب شد مسلمانان به آراسته ترین و پاکیزه ترین ملتها و الگو و سرمشق تبدیل شوند.

۱۶- آراستگی اختصاص به حضور در اجتماع ندارد بلکه برای حضور در خانواده و از آن مهم تر زمان عبادت است .

۱۷- ظاهر هرکس تجلی اندیشه و باور اوست ؛ اندیشه و اخلاق ، ظاهر را می سازد . ( تناسب ظاهر و باطن )

۱۸- رفتارهای ظاهری به تدریج بر باطن تأثیر می گذارند و روحیه ی فرد را تغییر می دهند .

۱۹- انسانهای ریاکار در میان جمع خود را خوب جلوه میدهند . باطنشان زشت است ولی ظاهرشان عاریتی و موقتی است .

۲۰- برخی برای توجیه ظاهر نامناسب خود می گویند : « دل باید پاک باشد » ولی توجه نمی کنند که « از کوزه همان

تراود که در اوست » حقیقت این است که دل به هر جا برود ، عمل هم به آن جا می رود .

۲۱- عفاف یک فضیلت اخلاقی است که سبب می شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله ی خود نمایی و جلب توجه

دیگران قرار ندهد . ( عفاف = علت )

۲۲- انسان عقیف آراسته است اما با جسم خود جلب توجه نمیکند و خود را ابزار لذت جویی دیگران قرار نمی دهد .

۲۳- به همان اندازه که رشته های عفاف ضعیف میشود ، نوع آراستگی در پوشش تغییر میکند و جنبه خود نمایی میگیرد.

۲۴- امام صادق (ع) : لباس نازک و بدن نما بپوشید زیرا چنین لباسی نشانه ی سستی و ضعف دین است .

۲۵- امام علی (ع) : بپرهیز از این که خود را برای دیگران بیارایی و با انجام گناه به جنگ با خدا برخیزی .

۲۶- جنگ با خدا = آراستن خود برای دیگران

۲۷- جنگ با خدا و پیامبر = ربا خواری « حَرَبٌ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ »

۲۹- زن مظهر جمال خلقت است و این زیبایی هم ظاهری است هم باطنی .

۳۰- زن کانون عفاف خانواده است .



- ۳۱- عرضه ی نابجای زیبایی ، بجای گرمی بخشیدن به خانواده ، دو گوهر مقدس عفت و حیا را از بین می برد .
- ۳۲- عزت در مقابل حقارت و ذلت است . معلول
- ۳۳- انسان عزیز در خود عظمت و صلابتی می یابد که موجب می شود ، حقارت و پستی را نپذیرد .
- ۳۴- بزرگترین شکست ، شکست روحی و معنوی است .
- ۳۵- نیاز به مقبولیت رابطه ی مستقیمی با آراستگی دارد .
- ۳۶- نیاز به مقبولیت و تحسین دیگران بیشتر خود را در دوره ی نوجوانی و جوانی نشان می دهد .
- ۳۷- برخی نوجوانان برای مقبولیت ، آرایش غلیظ میکنند یا سیگاری بر لب میگذارند که این نشانه ضعف روحی آنهاست .
- ۳۸- برخی دیگر از نوجوانان برای نیاز به مقبولیت ، استعداد خود را در یک رشته ی ورزشی یا هنری نشان می دهند که این نشانه ی ارزش های وجودی آنهاست .
- ۳۹- حضرت مریم و یوسف (ع) دو مظهر عفاف در قرآن هستند .
- ۴۰- خدا به مریم (س) فرزندی عطا کرد و او می گوید : به خدا پناه می برم از اینکه به من تهمت بزنند . « قَالَتْ إِنِّي أَعُوذُ بِرَحْمَانٍ ... » : مردم وقتی او را می بینند ، میگویند : ای خواهر هارون بدرت آدم بدی نبود ، عیسی (ع) از مادرش دفاع می کند و در گهواره سخن می گوید : « من بنده ی خدا هستم و خدا به من کتاب داده است و .... »
- ۴۱- یوسف (ع) در مقابل وسوسه ی شیطان به خدا پناه می برد . « قَالَ مُعَاذَ اللَّهِ »

## درس سیزدهم : زیبایی عفاف

- نکته ی ۱- پوشش مناسب از نشانه های عفاف و عزت نفس است .
- ۲- « قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ ... » : به مردان مؤمن بگو چشمان خود را کنترل کنند و دامان خود را از گناه حفظ کنند ، این برای آن ها پاک تر است . ( = ذَلِكَ أَرْكَى لَهُمْ ) مفهوم : کنترل نگاه و پاک دامنی مردان
- ۳- آیه ی « وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ ... » : به زنان مؤمن بگو چشمان خود را کنترل کنند و دامان خود را از گناه حفظ کنند و زینت های خود را آشکار نکنند ، مگر آن چه نمایان است . ( مانند گردی صورت و ... )
- مفهوم : حجاب و کنترل نگاه و پاکدامنی زنان
- ۴- عبارت « وَ لِيُضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ » : روسری های خود را روی سینه و گریبان خود بیندازند .
- مفهوم : واجب بودن پوشاندن گردن و حدود حجاب ( جیب = گردن )
- ۵- « يَا أَيُّهَا نَبِيُّ قُلْ لَلزَّوَاجِكُمْ وَ ... ذَلِكَ أَدْنَى ... » : ای پیامبر به همسرانت و دخترانت و زنان مؤمن بگو : پوشش های خود را به خود نزدیک کنند ، این از آن جهت بهتر است که به عفاف شناخته می شوند و مورد اذیت قرار نمی گیرند .



۶- « یَدْنِینَ عَلَیْهِنَ مِنْ جَلَابِیْهِنَ » یعنی : پوشش های خود را به خود نزدیک کنند .

۷- « اِنْ یُعْرِفْنَ فَلَایُؤْذِیْنَ » تا شناخته شوند به عفاف و مورد اذیت قرار نگیرند که علت حجاب است .

۸- نگاه به نامحرم تیری زهرآلود از ناحیه ی شیطان است ؛ هرکس به پاس حرمت الهی آن را ترک کند ، خدا ایمانی به

او می دهد که شیرینی آن را در دل احساس می کند . ( معلول = ایمان شیرین )

۹- استفاده از زینت و زیور آلات نباید به گونه ای باشد که توجه نامحرمان را به خود جلب کند .

۱۰- هم قرآن و هم پیشوایان حدود حجاب را مشخص کرده اند .

۱۱- امام کاظم (ع) به برادرش می فرماید : فقط دیدن چهره و دست تا مچ زن نامحرم جایز است ؛ پیام : حدود حجاب

۱۲- امام صادق (ع) در جواب شاگردش فضیل بن یسار که پرسید : آیا ساعد هم باید پوشیده شود ؟ فرمود : بلی

آن چه زیر روسری قرار می گیرد ، نباید آشکار شود ؛ همچنین از مچ به بالا . ( حدود حجاب )

۱۳- زنان مسلمان از ابتدا موی سر خود را می پوشاندند ولی با حدود آن آشنا نبودند .

۱۴- اسلام نحوه و چگونگی پوشش را مشخص نکرده زیرا به آداب و رسوم ملت ها و اقوام بستگی دارد .

۱۵- شرط لباس مردان : پوشیدن لباسی که انسان را انگشت نما کند یا وسیله ی جلب توجه نامحرم قرار گیرد ، برای

مردان حرام است .

۱۶- دو شرط لباس زنان : ۱- تمام بدن به جز صورت و دست تا مچ را بپوشاند . ۲- چسبان و تحریک کننده نباشد .

۱۷- چادر دو شرط بالا را دارد و سبب حفظ کرامت و منزلت زن می شود پس اولویت دارد .

۱۸- محارم نسبی که ازدواج با آن ها حرام است : ( برای مردان )

۱- مادر و مادر بزرگ ۲- خواهر و بچه ها و نوه های او

۳- دختر و نوه های او ۴- دختر برادر و نوه های او

۵- عمه و عمه ی پدر و مادر ۶- خاله و خاله ی پدر و مادر ۷- نوه های دختری پسر

۱۹- محارم سببی : ( برای مردان ) این ها به سبب ازدواج محرم شده اند :

۱- مادر زن و مادر بزرگ او ۲- زن پسر ( عروس )

۲۰- محارم سببی : ( برای زنان ) ۱- پدرشوهر و پدر بزرگ او ۲- شوهر دختر ( داماد )

۲۱- محارم نسبی ( برای زن )

۱- پدر و پدر بزرگ ۲- برادر و بچه ها و نوه هایش

۳- پسر و نوه های او ۴- پسر خواهر و نوه های او

۵- عمو و عموی پدر و مادر ۶- دایی و دایی پدر و مادر ۷- نوه های پسری دختر



۲۲- مرد نمی تواند با دو خواهر ، هم زمان ازدواج کند ؛ پس خواهر زن باید حجاب را رعایت کند زیرا اگر خواهرش وفات کند یا طلاق بگیرد ، می تواند با شوهر خواهر ازدواج کند .

۲۳- مسئولیت های انسان در برابر هر نعمتی :

۱- حفظ و نگهداری آن      ۲- بهره برداری از آن جهت رشد و کمال

۲۴- **نعمت زیبایی زنان** پشتوانه ی مهمی برای ازدواج و تحکیم خانواده است ؛ زن باید به شکرانه ی این نعمت :

اولاً : در حفظ زیبایی و طراوت خود بکوشد . ثانیاً : از آن برای استحکام بنیان خانواده بهره برد .

۲۵- **مسئولیت های مادری** و همسری و حفظ زیبایی ، زمینه ساز تفاوت در پوشش زنان و مردان است .

۲۶- به میزانی که پوشش یک زن از حدود اسلامی **فاصله می گیرد** ، مسئولیت های مادری و همسری مورد غفلت

قرار می گیرد ؛ البته فایده ی حجاب در ابتدا به خود زن و سپس به جامعه می رسد .

۲۷- حجاب مصونیت است نه محدودیت ، ( ارتباط مفهومی با آیه : فَلَا يُؤْذِنَنَّ )

۲۸- حفظ حجاب و محبت های خدادادی نه تنها سلب آزادی تلقی نمی شود بلکه به معنی بهره مندی مطلوب و درست از آن است .

یا رب ! تو چنان کن که پریشان نشوم ، محتاج به بیگانه و خویشان نشوم ؛ بی منت خلق خود مرا روزی ده ، تا از در تو بر در ایشان نشوم

## درس چهاردهم : نظارت همگانی = امر به معروف و نهی از منکر

نکته ی ۱- پیامبر ( ص ) مردم جامعه را به **مسافران یک کشتی** تشبیه می کند ؛ اگر کسی جایی را که نشسته سوراخ

کند ، همه غرق می شوند ، ( مفهوم : امر به معروف و نهی از منکر )

۲- شباهت کشتی با جامعه : همه ی مسافران با یک وسیله و به سوی یک هدف می روند ؛ جامعه هم یک هدف دارد ؛

نکته : سپردن کشتی به ناخدای خُبره و وظیفه شناس بهترین راه رسیدن به مقصد است .

۳- آیه ی « وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا » یعنی : همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید .

مفهوم : اتحاد - امر به معروف باعث اتحاد می شود .

۴- منظور از حبل الله یا همان ریسمان محکم خدا **دین خدا** است .

۵- « وَادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ ... كُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرِهِ مِنَ النَّارِ ... » : نعمت خدا بر خودتان را به یاد آورید هنگامی که با هم

دشمن بودید و خدا بین دل‌های شما دوستی ایجاد کرد تا بخاطر نعمت خدا با هم برادر شدید و بر لبه ی پرتگاه آتش

بودید ( = تفرقه و اختلاف داشتید ) خدا شما را نجات داد ، شاید هدایت شوید . ( منظور از نعمت خدا ایمان و اتحاد است . )



- ۶- آیه « وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يُأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ » : باید از میان شما مردمی پدید آید که دعوت به خیر کنند و امر به معروف و نهی از منکر کنند ، آنها رستگاران ( = مفلحون ) هستند . مفهوم : در عین حال که همه مسئولند امر به معروف کنند لازم است گروهی خاص برای این کار ایجاد شود .
- ۷- دعوت به خیر قبل از امر به معروف آمده و اولین وظیفه ی مسلمانان است . ( پیش گیری )
- ۸- امر به معروف و نهی از منکر دومین وظیفه ی مسلمانان است . ( درمان )
- ۹- آیه ی « وَ الْمُؤْمِنُونَ وَ الْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ ... » : مؤمنان بعضی هایشان ولی دیگرانند چون امر به معروف و نهی از منکر می کنند ، نماز می خوانند ، زکات می دهند و از خدا و رسول اطاعت می کنند . مفهوم : دوستی و سرپرست دیگران بودن علت امر به معروف است .
- ۱۰- آیه ی « كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ ... » : شما مسلمانان بهترین امت هستید که پدیدار شده برای مردم ، زیرا امر به معروف و نهی از منکر می کنید و به خدا ایمان دارید . مفهوم : ایمان و امر به معروف شرط و علت بهترین امت شدن و تبدیل شدن به یک جامعه ی نمونه است .
- ۱۱- عامل اصلی وحدت جامعه جنگ زدن به ریسمان خدا یعنی پیروی از دین است .
- ۱۲- افراد جامعه مسئول رفتارهای یکدیگر هستند زیرا خدا آن ها را ولی هم قرار داده است .
- ۱۳- برای انجام مسئولیت ولایت بر یکدیگر مسلمانان دو وظیفه و مسئولیت نسبت به هم دارند :
- ۱- دعوت به خیر ( = پیش گیری )      ۲- امر به معروف و نهی از منکر ( = درمان )
- ۱۴- با انجام مسئولیت های ذکر شده کشتی جامعه ی اسلامی به فلاح و رستگاری می رسد .
- ۱۵- ترک امر به معروف و نهی از منکر باعث دور شدن از رحمت خدا می شود .
- ۱۶- دعوت به خیر برای تشویق دیگران به خوبی هاست تا میدان بر بدی ها تنگ شود ، به سلامت جامعه دوام می بخشد و به تعالی آن کمک میکند و به عنوان پیش گیری مانع گسترش گناه میشود . ( يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ = دعوت به خیر = علت )
- ۱۷- بهترین و مؤثرترین روش دعوت به خیر ، دعوت عملی است .
- ۱۸- امام صادق ( ع ) : دعوت کننده ی مردم باشید نه با زبان بلکه با پارسایی ، نماز و نیکی . ( دعوت عملی )
- ۱۹- در احکام دین به واجبات و مستحبات ، معروف و به محرمات و مکروهات ، منکر می گویند .
- ۲۰- اگر در مقابل گناهکار اقدام مناسب نشود رفتار او مانند یک بیماری مسری به دیگران سرایت می کند .
- ۲۱- منظور از اقدام مناسب نظارت همگانی یا همان امر به معروف است .
- ۲۲- امام حسین ( ع ) هدف خود را از قیام و شهادت احیای امر به معروف و نهی از منکر می داند .



- ۲۳- علی (ع) در وصیت به امام حسن و حسین (ع) : اگر امر به معروف و نهی از منکر را ترک کنید افراد شرور و بدکار جامعه بر شما مسلط می شوند و دعايتان مستجاب نمی شود . ( ترک امر معروف = علت )
- ۲۴- امام باقر (ع) : در سایه ی امر به معروف و نهی از منکر : ( امر معروف و نهی از منکر = علت )
- همه واجبات بر پا میشود و امنیت و آبادانی تأمین میشود و از دشمنان انتقام گرفته میشود و کارها رو به راه میشود .
- ۲۵- قوم بنی اسرائیل در زمان داود و عیسی (ع) لعنت شدند ، چرا ؟
- زیرا گناه کارانشان را امر به معروف نمی کردند و به روی آن ها می خندیدند . ( علت )
- ۲۶- پیامبر (ص) : هرکس از کار بدی بازدارد یا به کار نیکی امر کند ، در پاداش یا مجازات آن شریک است .
- ۲۷- علی (ع) : تمام کارهای نیک حتی جهاد ، در برابر امر به معروف مثل قطره هستند به دریا . ( اهمیت امر به معروف )
- ۲۸- سؤال هایی که درباره ی امر به معروف و نهی از منکر مطرح می شود در ۳ بخش قرار می گیرند .
- ۱- شرایط وجوب      ۲- مراحل      ۳- روش ها
- ۲۹- شرایط واجب شدن امر به معروف ۴ تا است :
- ۱- دانستن واجبات و محرمات      ۲- دانستن قصد تکرار گناه
- ۳- احتمال تأثیر      ۴- نداشتن مفسده ( خطر جانی یا مالی )
- ۳۰- مراحل امر به معروف به ترتیب ۳ تا است : ( ۱- رفتاری      ۲- گفتاری      ۳- اجباری )
- مرحله ی اول : اخم کردن یا روی برگرداندن از گناهکار ( ترک مراد )
- مرحله ی دوم : با زبان      مرحله ی سوم : بازداشتن از حرام یا وادار کردن به واجب
- ۳۱- انجام مرحله ی سوم در حوزه ی مسئولیت های حاکم اسلامی و مشروط به اجازه ی اوست .
- ۳۲- روش های امر به معروف از دیدگاه امام خمینی (ره) :
- ۱- در راه آن مرتکب گناهی نشود .      ۲- مانند طبیبی مهربان رفتار کند .
- ۳- مصلحت مخاطب را رعایت کند .      ۴- از خود خواهی و خود ستایی بپرهیزد .
- ۵- قصدش تنها رضای خدا باشد .      ۶- خود را منزله از گناه و برتر از گناهکار نبیند .
- ۷- اگر بداند و یا احتمال دهد که امر و نهی با تکرار مؤثر واقع می شود باید آن را تکرار کند .
- ۳۳- درمورد احتمال تأثیر امر به معروف ( سومین شرط وجوب ) ، اگر بدانیم با تغییر روش مؤثر می شود ، باید سعی کنیم روش خود را تغییر دهیم . مثلاً کتاب مناسب معرفی کنیم .
- ۳۴- درمورد نداشتن مفسده اگر مورد امر به معروف چیز مهمی مثل اصول دین یا قرآن باشد ، باید خطرات آن را بپذیریم
- مثل امام حسین (ع) که به خاطر امر به معروف خود را قربانی کرد .



- ۳۵- در مورد مرحله ی دوم ، که با زبان است اگر احتمال دهیم موعظه و نصیحت مؤثر است باید به آن اکتفا کنیم .
- ۳۶- اگر وظیفه ی امیر به معروف و نهی از منکر به روش درست انجام نگیرد نتیجه معکوس دارد و سبب اصرار بر گناه و از بین رفتن اخوت اسلامی می شود .
- ۳۷- با گسترش سینما ، مجله و ... دعوت به خیر و امر به معروف جنبه ی اجتماعی به خود می گیرد ولی باید شرایط و مراحل را رعایت کرد تا حقوق و آبروی افراد حفظ شود .
- سخن کو از سر اندیشه ناید نوشتن را نباید و گفتن را نشاید

### درس پانزدهم : کار و درآمد حلال

- ۱- در بینش اسلامی کار خلاق و مؤتد منشأ اصلی مال و درآمد و کلید استفاده از منابع خدادادی است .
  - ۲- منطق فطرت برای پدید آورنده ی یک شیء حق تصرف در آن را می پذیرد پس خدا مالک اصلی جهان است .
  - ۳- پیامبر (ص) : هر کس زمین بی استفاده ای را قبل از دیگران آباد کند ، آن زمین از آن او خواهد بود .
- مفهوم : کار منشأ اصلی ثروت و هم مفهوم با آیه ی : هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا
- ۴- آیه ی « هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا » : او شما را از زمین ( خاک ) آفرید و شما را به آبادانی آن واداشت .
- مفهوم : کار منشأ اصلی کسب مال و ثروت است . ( و هم مفهوم با سخن پیامبر (ص) در نکته ی ۳ )
- ۵- کار باید مولد و خلاق باشد و نتیجه ی مفیدی داشته باشد ، تا بتوان نام کار بر آن گذاشت .
  - ۶- کار خلاق فقط کشاورزی و پزشکی نیست ؛ تولید علم و پیشرفت علمی از مهم ترین کارهاست .
  - ۷- یکی از بدترین بلاها برای هر جامعه روی آوردن به کارهای کاذب است .
  - ۸- کاذب ترین کارها ، ربا خواری است .
  - ۹- پول وسیله ی مبادله است ؛ اگر پول خودش مستقلاً مورد معامله قرار گیرد ، ربا پیش می آید .
  - ۱۰- ربا سبب می شود کسانی بدون فعالیت به ثروت زیادی برسند ، ادامه ی این کار سبب می شود که نیازمندان جامعه نیازمندتر و ربا خواران ، ثروتمندتر و حریص تر شوند و طبقه ی استثمارگر پدید بیاید .
  - ۱۱- به سبب وام با بهره ی سنگین ، جهان به دو قطب غنی و فقیر تقسیم شده . ( مربوط به ربا )
  - ۱۲- در عصر رسول خدا مردم عربستان به ربا آلوده بودند ؛ آیه : آمد که اگر این عمل را ترک نکنید ، با خدا و پیامبرش اعلام جنگ کرده اید .
  - ۱۳- آیه ی « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِنَّمَا هِيَ رِيبٌ أُنشِئَتْ مِنَ الرِّبَا » : ای مؤمنان از خدا پروا داشته باشید و بقیه ی ربا را رها کنید ، اگر مؤمن هستید و گرنه با خدا و رسولش اعلان جنگ کنید ، مفهوم : ترک ربا ، شرط ایمان است .



- ۱۴- آیه ی « فَإِنْ لَمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِخَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ... » : اگر بقیه ی ربا را رها نکنید با خدا و رسولش اعلان جنگ کرده اید و اگر توبه کنید سرمایه هایتان از آن خودتان است نه ظلم می کنید و نه مورد ظلم واقع می شوید .
- ۱۵- اگر بقیه ی ربا را رها کنید ، ظلم نمی کنید : ذروا ما بقی من الربا = علت ؛ لا تظلمون = معلول ( نتیجه ی ترک ربا )
- ۱۶- چون سرمایه هایتان به شما بر میگردد ، مورد ظلم واقع نمی شوید : لکم رؤوس أموالکم = علت ؛ لا تظلمون = معلول
- ۱۷- در هر فعالیت اقتصادی دو عامل دخالت دارند : ۱- سرمایه ۲- کار
- ۱۸- سرمایه باید مانند خون در رگهای اقتصاد جامعه بچرخد و حیات جامعه را تأمین کند و عدالت اقتصادی را ممکن سازد .
- ۱۹- یکی از راه های برقراری عدالت توزیع عادلانه ی سود فعالیت های اقتصادی بین دارندگان کار و سرمایه است .
- سود این کار نه تنها حلال است بلکه اجر اخروی هم دارد .
- ۲۰- در نظام اسلامی بانک **کانون مشارکت** کار و سرمایه است .
- ۲۱- قانون بانکداری که در مجلس تصویب شده بر اساس مشارکت سرمایه و کار است و با اسلام **مطابقت** دارد .
- ۲۲- هزینه های جامعه دو نوع هستند : ۱- هزینه های ناشی از خلاء ها و شکاف های موجود ( از راه اتفاق )
- ۲- هزینه های زندگی اجتماعی و شهری ( از راه مالیات )
- ۲۳- پاسخ به نیازهای جامعه از دو راه تأمین می شود : الف ( اتفاق ب ) مالیات
- ۲۴- اتفاق دو نوع است : ۱- اتفاق واجب ؛ مثل : خمس و زکات ۲- اتفاق مستحب ؛ مثل : صدقه
- ۲۵- در قرآن در بسیاری از موارد بعد از برپاداشتن **نماز** به پرداخت زکات تأکید شده است .
- ۲۶- زکات به ۹ چیز تعلق می گیرد :
- ۱- گندم ۲- جو ۳- خرما ۴- کشمش ۵- شتر ۶- گاو ۷- گوسفند ۸- طلا ۹- نقره
- ۲۷- زکات این ۹ چیز ، در صورتی واجب است که به حدّ معین برسند ، پس هر یک از آنها **حدّ نصاب** خاصی دارد .
- ۲۸- زکات طلا و نقره در صورتی واجب است که به صورت سکه رایج باشند ، بنا بر این زیورآلات خانم ها زکات **ندارد** .
- ( زیورآلات خانم ها ❖ زکات هرگز = ولی خمس گاهی )
- ۲۹- زکات باید به ۸ گروه داده شود :
- ۱- فقرا ۲- مساکین ۳- عاملین ۴- مؤلفه قلوبهم
- ۵- فی الرقاب ۶- غارمین ۷- فی سبیل الله ۸- ابن سبیل
- ۳۰- هشت گروه مصرف زکات که زکات به آن ها تعلق می گیرد عبارتند از :
- ۱- نیازمندان ۲- بینوایان ۳- کارکنان گردآوری زکات ۴- مهربان کردن قلب ها
- ۵- آزادی بردگان ۶- قرض بدهکاران ۷- در راه خدا ( مسجد ، مدرسه ... ) ۸- مسافر در راه مانده



- ۳۱- آیه ی « إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَ الْمَسَاكِينِ ... » زکات فقط برای فقراء و ... است و واجب است از طرف خدای حکیم .
- ۳۲- زکات فطره = فطریه : مقدار آن ۳ کیلو گندم یا جو یا پول این هاست و به کسی واجب می شود که شب عید فطر : بالغ ، عاقل و هوشیار باشد و فقیّر نباشد ؛ او باید به اندازه خود و کسانی که نان خور اویند ، فطریه بدهد .
- ۳۳- کسی که باید دیگری فطره اش را بدهد واجب نیست خودش فطره بدهد .
- ۳۴- کسی که نمی تواند مخارج خانواده اش را تأمین کند و کسبی هم ندارد ، فقیّر است و فطره بر او واجب نیست .
- ۳۵- خمس به ۷ چیز تعلق می گیرد و رایج ترین آن ها منفعت کسب و کار است .
- ۳۶- حساب سال یعنی هر سال در تاریخی مشخص پولهایمان را حساب کنیم و یک پنجم مقدار اضافه شده را به عنوان خمس به حاکم اسلامی یا مجتهد بپردازیم ، آذوقه ی خانه هم اگر زیادتیر از سال قبل باشد خمس دارد .
- ۳۷- اگر با پولی که خمس آن داده نشده خانه ای بخریم ، نماز خواندن در آن خانه باطل است .
- ۳۸- زیور آلات خانم ها اگر جنبه ی ذخیره به خود بگیرد ، قسمت اضافی آن خمس دارد .
- ۳۹- اگر چیزی را که خمس آن داده نشده ، به کسی ببخشند یک پنجم آن چیز ، مال او نمی شود .
- ۴۰- اگر بچه صغیر سرمایه ای داشته باشد که منافع هم داشته باشد ، بنابر احتیاط واجب بعد از بلوغ باید خُمسش را بدهد .
- ۴۱- آیه « وَ اعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِآلِهِ ... » بدانید ، هر چیزی را که به دست می آورید ، خمس آن برای خدا و پیغمبر و سادات و یتیمان و مساکین و ابن سبیل است ، ( مساکین و ابن سبیل مستحق دریافت خمس و زکات اند ) ( مشترک )
- ۴۲- امروزه یک شهر مثل خانه ای بزرگ است که هزینه هایی دارد و کشور هم هزینه هایی مانند راه سازی دارد پس پرداخت مالیات هزینه ی زندگی خودمان در جامعه است و نباید منتی بر دیگران داشته باشیم .
- ۴۳- امام علی (ع) به مالک اشتر حاکم مصر : برنامه مالیات را به گونه ای رسیدگی کن که به صلاح مالیات دهندگان باشد همه مردم جیره خوار مالیات دهندگان هستند ؛ اما باید بیشتر در فکر آبادی زمین باشی و هر کس بدون آبادی زمین مالیات طلب کند ، شهرها را ویران و بندگان را هلاک می سازد و حکومتش پایدار نمی ماند .
- ۴۴- سوره حدید « إِنَّ الْمُصَّدِّقِينَ وَ الْمَصَّدَقَاتِ ... قَرْضًا حَسَنًا » : مردان و زنان صدقه دهنده و کسانی که قرض نیک داده اند خداوند آن را برایشان دو برابر میکند ؛ پیام ۱ : افزایش سرمایه نتیجه انفاق و قرض الحسنه ؛ سنت تفاوت پاداش و جزا
- ۴۵- آیه « لَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ ... » : خدا از بنی اسرائیل پیمان گرفت که نماز بخوانند و زکات و قرض الحسنه بدهند تا گناهانشان را ببخشد و آنان را وارد بهشت کند . ( سوره ی مائده )
- مفهوم : پوشاندن گناهان و رسیدن به بهشت نتیجه و معلول نماز و زکات و ایمان به انبیاء و قرض الحسنه است .
- ۴۶- « إِنْ تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ وَ ... » : اگر به خدا قرض نیکو دهید ، آن را دو برابر می کند و شما را می بخشد .
- مفهوم : افزایش سرمایه و آمرزش گناهان نتیجه و معلول قرض الحسنه .



## درس شانزدهم : یاری از نماز و روزه

- ۱- نماز ، ستون خیمه ی دین است .
- ۲- نماز ، نشانه ی وفاداری ما به عهد خویش با خدا است .
- ۳- جامعه ی اسلامی و فرد مسلمان با نماز شناخته می شود .
- ۴- در جامعه ای که نماز راه نیافته باشد گویا اسلام وارد نشده .
- ۵- جوامع اسلامی با آمدن ماه رمضان ، حال و هوای معنوی پیدا می کنند و رفتار مردم عوض می شود .
- ۶- خداوند به پیامبر (ص) فرمود : آنگاه که بندگانم درباره من از تو می پرسند به آنها بگو : من نزدیک هستم ، اجابت می کنم دعوت آنکه مرا بخواند پس باید دعوت مرا بپذیرند و به من ایمان آورند باشد که راه یابند .
- « وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ »
- ۷- آیه بالا با « وَ تَحَنُّ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ » و شعر : دوست نزدیک تر از من به من است ... هم مفهوم است .
- ۸- آیه ی « يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ ... » : ای کسانی که ایمان آورده اید از صبر و نماز کمک بگیرید .
- ۹- ای مؤمنان روزه بر شما واجب شد « كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ ... » همانطور که بر امت های قبلی واجب شد ، شاید با تقوا شوید : « لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ » ( هدف ، فلسفه و نتیجه ی روزه تقوا است ) .
- ۱۰- تقوا یکی از مصداق های صبر است .
- ۱۱- ای پیامبر وحی را بر مردم بخوان و نماز بخوان زیرا نماز انسان را از کار زشت و ناپسند نهی می کند و یاد خدا برتر است : « أَتْلُ ... إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ ... » ( قلمروی اول رسالت و دو فایده ی نماز )
- ۱۲- بجز دوری از فحشا و منکر ثمره ی برتر نماز یاد خدا است . ( و لَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ )
- ۱۳- چون خدا حکیم است هر برنامه ای برای زندگی ما تنظیم کرده ، هدفش مصلحت و سعادت ماست : ( نماز ، روزه )
- ۱۴- خدا جز بر اساس حکمت و وظیفه ای برای ما تعیین نمی کند .
- ۱۵- دو فایده ی نماز : ۱- یاد خدا ۲- دوری از گناه
- ۱۶- مهم ترین فایده ی روزه : تقوا ، پاکی و پارسایی
- ۱۷- فایده ی دوم نماز یعنی دوری از گناه با فایده ی روزه یعنی تقوا ارتباط دارد .
- ۱۸- علی (ع) در نهج البلاغه : مَثَلِ آدَمَ هَيِّ تَقْوَا مَثَلِ سَوَّارِكَارَانِي است که سوار بر اسب های چموش و سرکش شده اند که لجام پاره کرده و اختیار از دست سوار گرفته اند و عاقبت سوار را در آتش می افکنند . ( انسان متقی )
- ۱۹- مَثَلِ آدَمَ هَيِّ بِاتَقْوَا مَثَلِ سَوَّارِكَارَانِي است که بر اسب های راهوار و رام سوارند و اختیار لجام را در دست دارند و می روند تا به بهشت برسند .



- ۲۰- تفاوت اصلی این دو سوار این است که یکی به هلاکت می رسد و دیگری به رستگاری ؛ تفاوت دیگر ، سرکشی اسب یکی و مطیع بودن اسب دیگری است .
- ۲۱- تقوا به معنی حفاظت و نگهداری است . انسان متقی = یعنی کسی که خود نگهدار است و از خود حفاظت می کند و بر خود مسلط است ، زمام و لجام خود را در اختیار خود دارد .
- ۲۲- نماز به موقع ، بی نظمی را از انسان دور می کند .
- ۲۳- اثر نماز به چه چیزی بستگی دارد ؟ به تداوم و پیوستگی آن و نیز به میزان دقت و توجه ما ( مربوط به : نماز و بازدارندگی )
- ۲۴- زندانیان ، خلافکاران و مجرمان معمولاً نماز خوان نبوده اند ، نماز گزاران از بیشتر منکرات دوری می کنند . ( نماز و بازدارندگی )
- ۲۵- اگر نماز را کوچک بشماریم و به آنچه میگوییم توجه کنیم ، نه تنها از گناهان بلکه از مکروهات هم به تدریج دور میشویم .
- ۲۶- اگر در انجام به موقع نماز یکوشیم ، بی نظمی را از زندگی خود دور خواهیم کرد .
- ۲۷- اگر شرط غصبی نبودن لباس و مکان نماز گزار را رعایت کنیم ، به کسب درآمد از راه حرام متمایل نخواهیم شد .
- ۲۸- اگر هنگام تکبیر به بزرگی خدا توجه کنیم ، دیگران در دل ما جای خدا را نخواهند گرفت .
- ۲۹- اگر در رکوع و سجود عظمت خدا را در نظر بگیریم ؛ در مقابل مستکبران خضوع و خشوع نمی کنیم .
- ۳۰- اگر « إهدنا الصراط المستقیم » را صادقانه بخواهیم ، به راه های انحرافی دیگران دل نخواهیم بست .
- ۳۱- اگر « غیر المغضوب علیهم و لا الضالین » را با توجه بگوییم خود را در زمره ی کسانی که مورد خشم خدا هستند و راه را گم کرده اند ، قرار نمی دهیم . ( نکته ۲۲ تا ۲۵ مربوط به : نماز و بازدارندگی )
- ۳۲- خشم بر پدر و مادر و غیبت کردن خاصیت نماز را از بین می برد و نماز پذیرفته نمی شود .
- ۳۳- امام صادق (ع) : فرزندی که از روی خشم به والدین بنگرد نمازش پذیرفته نیست ؛ هر چند والدین به او ظلم کرده باشند ؛
- ۳۴- امام صادق (ع) : هر کس می خواهد بداند نمازش پذیرفته شده یا نه ؟ ، باید ببیند نماز او را از گناه و زشتی بازداشته یا نه ؟ به هر مقدار که نمازش سبب دوری او از گناه و منکر شود ، همان اندازه از نماز قبول شده است .
- ۳۵- پیامبر (ص) به ابوذر فرمود : غیبت کننده تا **چهل روز** نماز و روزه اش قبول نمی شود مگر غیبت شده او را ببخشد .
- ۳۶- نماز های یومیه مانند چشمه ساری هستند که روزی ۵ بار خودمان را در آن شستشو می دهیم .
- ۳۷- روزه ، مصداق کامل تمرین صبر و پایداری در برابر خواهش های دل است .
- ۳۸- **نه چیز** روزه را باطل می کند ؛ خوردن ، آشامیدن ، دروغ بستن به خدا و پیامبر و جانشینان او ، رساندن غبار غلیظ به حلق ، فرو بردن تمام سر در آب ، قی کردن ( تہوع ) ، باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح
- ۳۹- اگر روزه دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد روزه اش باطل نمی شود .



۴۰- اگر یک سال بگذرد و قضای روزه ، گرفته نشود علاوه بر قضای آن باید برای هر روز ، یک مُدّ طعام ( = ۷۵۰ گرم )

گندم یا جو ... به فقیر بدهیم .

۴۱- اگر عمداً یک روز ، روزه نگیریم باید هم قضای آن را بگیریم و هم کفاره بدهیم .

۴۲- کفاره ی یک روز ، روزه برابر است با ۲ ماه روزه گرفتن و یا به شصت فقیر غذا بدهیم : هر فقیر یک مُدّ

۳۵- اگر کسی با چیز حرامی روزه اش را باطل کند باید کفاره ی جمع بدهد یعنی هر دو کفاره را باید بدهد : هم ۶۰ روز ، روزه

بگیرد ؛ هم به ۶۰ فقیر غذا بدهد .

۴۳- مسافر نمازش شکسته است و نباید روزه بگیرد .

۴۴- مسافر کسی است که سفرش برای کار حرام نباشد و کمتر از ۱۰ روز در جایی بماند ، رفتن او کمتر از ۴ فرسخ ، و رفت و

برگشتش کمتر از ۸ فرسخ نباشد . ( ۴ فرسخ = ۲۲/۵ کیلومتر )

۴۵- اگر مسافر قبل از ظهر به وطنش ( یا جایی که می خواهد ۱۰ روز در آن جا بماند ) برسد ، چنانچه روزه اش را باطل نکرده باشد باید

آن روز را روزه را بگیرد و اگر روزه اش را باطل کرده ، قضای آن روز بر او واجب است ؛ اما اگر بعد از ظهر برسد ، روزه اش باطل است .

۴۶- مسافر اگر پیش از ظهر سفر کند باید وقتی به ۴ فرسخ رسید ، روزه اش را افطار کند .

۴۷- مسافر اگر بعد از ظهر سفر کند باید روزه اش را ادامه دهد .

۴۸- اگر به قصد ستم یا همکاری با ظالم و یا با نهمی پدر و مادر سفر کنیم باید نماز را کامل بخوانیم و روزه بگیریم .

۴۹- کسی که غسل جنابت بر او واجب است اگر عمداً تا اذان صبح غسل نکند نمی تواند روزه بگیرد ولی اگر سهل انگاری کند

می تواند به جای غسل تیمم کند و روزه اش صحیح است ؛ اما بخاطر غسل نکردن معصیت کرده است .

۵۰- بخاطر ضعف نمی توان روزه را خورد ولی اگر ضعف قدری باشد که نشود تحمل کرد ، می توان افطار کرد .

۵۱- پیامبر(ص) ؛ بعضی ها از روزه فقط گرسنگی و تشنگی نصیب شان می شود مفهوم ؛ در روزه باید تقوا در مقابل همه گناهان رعایت شود .

۵۲- کسی که یکسال در ماه رمضان جلوی خود را گرفته و فقط غذای حلال خورده ، سال به سال با تقوی تر می شود و به جایی

می رسد که به آسانی از کارهای حرام دست می کشد .

۵۳- کارهایی را که گاهی روان شناسان برای تسلط بر خود پیشنهاد می کنند مربوط به روزه و کنترل نفس است .

۵۴- مرتبه ی اول تقوا یعنی درک خوبی ها و بدی ها در همه وجود دارد اما مانند نهالی نیاز به آبیاری دارد ؛ با نماز و روزه

۵۵- کارهای روزانه و عوامل بر انگیزاننده به گناه سبب می شوند پس از گذشت ساعاتی از روز ، گرد و غبار غفلت بر دل نشیند و

زمینه ساز شکستن عهد و لغزش ما شود با انجام نماز ظهر و عصر ، قلب از گناه ها پاک میشود و مانع خانه کردن گناه میشود .

زُهد با نیت پاک است نه با جامه ی پاک ای بس آلوده که پاکیزه زدایی دارد !! ( پروین )



## علت ها و معلول های سال دوم

- ۱- اگر در جمله ای کلمه ی « سبب می شود » بیاید ، عبارت قبل از آن ، علت است و کلمه ی بعد از آن معلول است :
- علت ← سبب می شود ← معلول** ( معلول = نتیجه = تابع ) مثلاً : غیبت کردن سبب قبول نشدن نماز و روزه می شود .
- ۲- محبت به فرزند سبب می شود انسان از خود محوری درآید و ایثارگر شود . ( دیگر خواهی معلول محبت به فرزند )
- ۳- نرسیدن از مرگ علت و سبب می شود تا از حق مظلوم دفاع کنیم و شجاعت به مرحله ی عالی خود برسد .
- ۴- ای پیامبر به برکت رحمت خدا با مردم نرم و مهربان شدی : فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ
- ۵- اگر درشت خو و سنگ دل بودی از اطرافت پراکنده می شدند : وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ
- ۶- اگر به خدا قرض نیکو بدهید ، خدا آن را برایتان دو برابر می کند . إِنْ تَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضَاعِفْهُ لَكُمْ
- ۷- تلاش و مجاهده علت است و معلول آن هدایت شدن می باشد : وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا
- ۸- حرام خواری باعث پیروی از شیطان می شود : كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ
- ۹- به این علت نباید از شیطان پیروی کنیم که دشمن آشکار ماست : وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ
- ۱۰- غفلت ها علت و سبب دوری ما از خدا می شوند یا اینکه دوست در کنار ما و مشهود است . ( فطرت خدا آشنا )
- ۱۱- هرکس بدون آبادی زمین مالیات طلب کند . شهرها را ویران و بندگان را هلاک می سازد و حکومتش پایدار نمی ماند .
- ۱۲- خدا از وسوسه ی نفس خبر دارد به این علت که از رنگ کردن به ما نزدیکتر است . نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ
- ۱۳- شناخته شدن به عفاف و مورد اذیت قرار نگرفتن علت حجاب و داشتن پوشش است . أَنْ يُعْرِفْنَ فَلَا يُؤْذِينَ
- ۱۴- عفاف سبب می شود انسان اندام ظاهری خود را وسیله ی خود نمایی و جلب توجه دیگران قرار ندهد .
- ۱۵- دعوت به خیر به سلامت جامعه دوام می بخشد و به تعالی آن کمک می کند . يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ
- ۱۶- به سبب وام با بهره های سنگین ( ربا ) ، جهان به دو قطب غنی و فقیر تقسیم شده است . خَرَبَ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ
- ۱۷- عرضه ی نابجای زیبایی ، بجای گرمی بخشیدن به خانواده ، دو گوهر مقدس عفت و حیا را از بین می برد .
- ۱۸- بعد از اینکه خدا از روح خود در انسان دمید ( علت ) به فرشتگان فرمود : به انسان سجده کنید . ( معلول ) فَقَعُّوا لَكَ سَاجِدِينَ
- ۱۹- آنچه باعث می شود که منکران معاد به غفلت از مرگ ، یا ترس و اضطراب برسند میل به جاودانگی است .
- ۲۰- علی (ع) : ترک امر معروف سبب مستجاب نشدن دعا و تسلط افراد شرور و بدکار جامعه بر شما می شود .

پایان کل کتاب دین و زندگی سال دوم ← ۱۶ درس ۱۸ ورق ← ۱۸ برگه ی دو رو = ۳۶ صفحه